NobonyadOnline NobonyadOnline
NobonyadOnline.ir

دوشنبه ۱۸ آبان ۱۴۰۵
سال اول ■ شماره ۱۸۱
۸ صفحه ■ ۱۰۰۰۰ تومان

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

کروز در حال بلعیدن مدیریت ایران‌خودرو است



خضریان، عضو کمیسیون اصل نود مجلس درباره انگیزه کروز برای در اختیار گرفتن مدیریت ایران‌خودرو در گفتگو با نوبنیاد گفت: وقتی مدیریت یک خودروساز در اختیار یک قطعه‌ساز و واردکننده قرار می‌گیرد، انحصار در تولید و واردات قطعه شکل می‌گیرد. بررسی پرونده‌های گذشته کروز نشان می‌دهد که این شرکت متهم به گران‌فروشی بوده و مواردی را مشاهده می‌کنید که قطعه یک‌دلاری گاهی به قیمت ۶ دلار به ایران‌خودرو فروخته شده است. با بررسی این پرونده‌ها، پشت‌صحنه ماجرا روشن‌تر می‌شود. نتیجه چنین وضعیتی را در افزایش قیمت و گران‌فروشی مشاهده خواهید کرد.

۵



تجربه سوءتفاهم‌نامه

نوبنیاد از هجمه‌های اخیر حامیان تفاهم‌نامه اسلام‌آباد به انتقادات فنی سعید جلیلی با وجود تعابیر صریح رهبر انقلاب در این باره گزارش می‌دهد

۲

انتخابات آمریکا؛ فراتر از کنگره

فرزاد مخلص‌الائمه
استاندار استان مرکزی در دولت شهید رئیسی

در سیاست آمریکا، دو حزب اصلی با دو نماد حیوانی شناخته می‌شوند: فیل برای حزب جمهوری‌خواه و الاغ برای حزب دموکرات. این نمادها ریشه در تاریخ سیاسی قرن نوزدهم آمریکا دارند. رقابت این دو حزب فقط به ریاست جمهوری و کنگره محدود نیست و در سطح ایالت‌ها و شهرها هم برای مناصب سیاسی، اجرایی و قضایی ادامه دارد. شهروندان آمریکایی در سه سطح رأی می‌دهند.

متن کامل در صفحه ۷



عبدی، کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با "نوبنیاد"

بازدارندگی وجودی یعنی برخورداری از سلاح هسته‌ای

۶



نامه مجمع نمایندگان ملت مبعوث خطاب به پزشکیان؛

هشدار مجلس درباره گزینه‌های پیشنهادی

۳

اقتصادی | صفحه ۴

رانت جدید در بازار انحصاری خودرو

بازار خودرو سال‌هاست با دو مشکل مزمن انحصار و قیمت‌های بالا دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ بازاری که در آن مصرف‌کننده نه از تنوع کافی برخوردار است و نه می‌تواند با اطمینان از کیفیت و قیمت مناسب خودرو خریداری کند.

سیاست خارجی | صفحه ۱۱

پاسخ بازدارنده معطل مصلحت‌سنجی سیاسی

در یک هفته گذشته، آمریکا دامنه حملات خود به نوار ساحلی ایران در تنگه هرمز، مواضع نظامی و پدافندی جزیره قشم و برخی نقاط دیگر در جنوب کشور را افزایش داده است؛ حملاتی که واشنگتن با برچسب مضحک «دفاعی و محدود» توجیه می‌کند.

خبر کوتاه

لاریجانی: سلاح هسته‌ای را می‌شود به صورت تاکتیکی علیه پایگاه نظامی دشمن استفاده کرد

محمدجواد لاریجانی، تحلیلگر و کارشناس برجسته مسائل سیاسی طی گفتگویی درباره استفاده از سلاح هسته‌ای اظهار کرد: از سلاح هسته‌ای نمی‌شود علیه مردم استفاده کرد اما آن را می‌شود به صورت تاکتیکی علیه پایگاه نظامی دشمن استفاده کرد. وی افزود: وقتی شما سلاحی دارید که می‌تواند یک پایگاه نظامی دشمن را کاملا از بین ببرد، این کار را انجام می‌دهید و خیلی مهم نیست سلاحش اتمی باشد یا غیراتمی. وی با طرح این پرسش که چرا باید مواد هسته‌ای غنی‌سازی شده را رقیق کنیم؟ افزود: «ما می‌خواهیم این مواد را در حوزهٔ پیشران‌ها و زیردریایی‌های هسته‌ای استفاده کنیم و اتفاقاً باید غنی‌سازی را گاهی تا ۸۰ درصد بالا ببریم»

انفجارسه نفتکش متخلف در تنگه هرمز

روز گذشته، روابط عمومی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرد: از ساعات ابتدایی بامداد امروز تاکنون سه فروند نفتکش متخلف در مسیر غیرمجاز تنگه هرمز دچار انفجار و آتش سوزی شدید شده و دود حاصل از آتش سوزی این نفتکش‌ها آسمان تنگه هرمز را فراگرفته است. این نفتکش‌ها بدلیل خاموش نمودن سامانه‌های ناوبری و شناسایی خود و شرارت ارتش قاچاقچی و متجاوز آمریکا در آتش در حال سوختن هستند. نیروی دریایی سپاه اعلام می‌کند: مقرارت ایرانی تنگه هرمز بارها به همه کشتی‌ها اعلام شده و سرپیچی شناورها از این مقررات و همراهی با ارتش قاچاقچی آمریکا برای عبور از مسیرهای غیرمجاز تنگه هرمز سرنوشتی جز این نخواهند داشت.

حکم اعدام سه عنصر آموزش دیده کودتای دی سال گذشته در کرج اجرا شد

در جریان کودتای ۱۸ و ۱۹ دی سال گذشته در کرج، اغتشاشگران اقدام به حمله به اماکن عمومی و دولتی، حمله به شهروندان، تخریب اموال عمومی و تخریب پست برق یکی از مناطق کرج کردند که همین اقدامات ضمن آسیب به تاسیسات عمومی موجب ایجاد وقفه در ارائه خدمات به مردم و قطع برق منطقه شد. دادگاه انقلاب کرج با بررسی مستندات و اقاریر همه متهمان، سه متهم ردیف اول یعنی «حسن دیوبند»؛ «حمید کاظمی» و «رضا زنگنه» را به اتهام «مشارکت در اقدام عملیاتی برای رژیم منحوس صهیونیست و آمریکا و گروه‌های متخاصم موضوع قانون تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم علیه امنیت و منافع ملی»؛ با توجه به حضور فعال و مسلحانه در اغتشاشات ۱۸ و ۱۹ دی در پی فراخوان رژیم غاصب صهیونیستی، آمریکا و تفاله پهلوی با تصمیم، توافق و هماهنگی قبلی و اقدامات مجرمانه متعدد از جمله «تهیه و ساخت کوکتل مولوتف و نارنجک و استفاده از آنها»؛ «حمل و استفاده از سلاح سرد و گرم در جریان اغتشاشات» و «تخریب و آتش زدن اماکن و تاسیسات و تجهیزات عمومی»؛ «تخریب پست برق و قطع برق برخی مناطق کرج»؛ «تشویق سایرین به اغتشاش» با لحاظ نقش و میزان مداخله آنها در اقدامات مجرمانه به اعدام و مصادره کلیه اموال محکوم کرد و سایر متهمان نیز به حبس از پنج تا ده سال محکوم شدند که همه محکومان از زمان دستگیری در بازداشت هستند؛ حکم اعدام متهمان ردیف اول تا سوم نیز پس از تایید دیوان عالی کشور صبح روز گذشته به اجرا درآمد و مصادره اموال نیز در حال اجراست.

نوبنیاد از هجمه‌های اخیر حامیان تفاهم‌نامه اسلام‌آباد به انتقادات فنی سعید جلیلی با وجود تعابیر صریح رهبر انقلاب در اینباره گزارش می‌دهد

تجربه سوءتفاهم‌نامه

سخنان مهم و راهبردی سعید جلیلی، نماینده رهبر انقلاب درباره تفاهم‌نامه اسلام‌آباد و سوء تفاهم خواندن آن با واکنش‌های متعددی از سوی برخی از حامیان تفاهم مواجه گردید. سخنانی که پیش از این نیز به صورت صریح‌تر و با جزئیاتی روشن‌تر توسط رهبرمعظم انقلاب و دبیرشعام مطرح شده بود. رهبر انقلاب از این تفاهم تحت عنوان «تجربه تاریک» یاد کرده بودند و سرلشکررضایی طی سخنانی به ضعف‌های اسلام‌آباد پرداخته بود. با این حال مشخص نیست که چرا همچنان عده‌ای در دفاع از این تفاهم‌نامه اصرار دارند و سوتفاهم‌خوانده شدن اسلام‌آباد اینگونه آنها را عصبی کرده است.



امین مهاجر
روزنامه‌نگار

روز جمعه ۱۵ آبان‌ماه، دکتر سعید جلیلی نماینده رهبرمعظم انقلاب در شورای عالی امنیت ملی با حضور در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه خبر صداوسیما، به تبیین تقابل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری کشور با دشمنان پرداخت. یکی از مهمترین مفاد مورد اشاره نماینده رهبر انقلاب در شعام، موضوع تفاهم‌نامه اسلام و زیانی بود که این تفاهم بر کشور وارد کرد. جلیلی با اشاره به سخنرانی رهبر شهید انقلاب در اول مهرماه ۱۴۰۴ و تجربه دو جنگ اخیر: «شما در همین چند ماه اخیر نیز شاهد بودید که تفاهمی در اسلام‌آباد صورت گرفت، اما هنوز مدت زیادی از آن نگذشته بود که طرف آمریکایی صراحتاً آن را بی‌اعتبار خواند. حتی دو هفته هم از آن تفاهم نگذشته بود که رأس حاکمیت آمریکا اعلام کرد این تفاهم ارزشی بیش از یک تکه کاغذ ندارد، تفاهمی که طرف مقابل بگوید به اندازه کاغذش هم نمی‌ارزد، تفاهم نیست سوءتفاهم است.» نماینده رهبر انقلاب در ادامه سخنانش در اینباره افزود: «نمی‌توان تصور کرد که اگر طرف مقابل وارد تفاهمی شد، آن تفاهم الزاماً قابل اتکا خواهد بود. اگر تفاهمی که او مطرح می‌کند به اندازه ارزش کاغذی که روی آن نوشته شده اعتبار نداشته باشد، در عمل چیزی جز سوءتفاهم نخواهد بود! آیا می‌توان بر چنین مبنایی امنیت یک کشور را تضمین کرد؟ آیا می‌توان پیشرفت یک کشور را به چنین توافقی گره زد؟ طرف مقابل خودش چنین رفتاری را دنبال می‌کند و ممکن است چند سال یا حتی چند هفته بعد، به راحتی از تعهداتش عدول کند.»

پس از این سخنان صریح نماینده رهبر انقلاب، موجی از هجمه‌ها از سوی برخی جریانات و چهره‌های حامی تفاهم‌نامه اسلام‌آباد شکل گرفت. صحبت‌های سعید جلیلی درباره سوءتفاهم خواندن تفاهم‌نامه اسلام‌آباد در حالی مورد هجمه حامیان تفاهم‌نامه قرار گرفت که پیشتر این موضوع توسط رهبر انقلاب با عتابی صریح ترمورد اشاره قرار گرفته بود.

از علی‌الاصول تا تجربه تاریک

رهبر انقلاب در پیام ۲۸ خردادشان صریحا درباره تفاهم‌نامه فرموده بودند: «بنده علی‌الاصول، نظر دیگری داشتم ولی از باب تعهّدی که رئیس جمهور محترم به‌عنوان رئیس شورای عالی امنیّت ملّی از طرف خود و سایر اعضا در پاسداشت حقوق ملّت ایران و جبهه مقاومت به بنده دادند و تصریح به قبول مسئولیت آن نمودند، اجازه‌ی آن را صادر نمودم.»

ایشان همچنین بعد از نقض تفاهم‌نامه از سوی آمریکا در پیام ۲۶ تیر/۱۴۰۵ که درباره‌ی حماسه عظیم بدر قه آقای شهید ایران و تبیین مسائل مهم کشور منتشر شد، فرموده بودند: «نقض عهدهای مکرّر شیطان بزرگ نسبت به تفاهم‌نامه امضا شده بین رئیس جمهوران ایران و امریکا بار دیگر این حقیقت را به همگان ثابت کرد که امضای رئیس جمهور امریکا چقدر بی‌ارزش و نامعتبر است و زورگوئی، تمامیّت خواهی و وحشی گری، اجزاء لاینفک مرام و مسلک امریکایی می باشد.» رهبر انقلاب در این پیام عبارت معنادار «تجربه تاریک» درباره تفاهم‌نامه اسلام آباد به کار بردند و تصریح داشتند: «امروز شیطان بزرگ بار دیگر چهره‌ی واقعی و بدون نقاب خود را آشکار کرده تا این تجربه ی تاریک از جنایت و بدعهدی، سند محکم دیگری بر دروغگویی، غیرمنطقی و غیر قابل اعتماد و پلید بودن امریکا باشد.»

نظرات صریح دبیر شعام

گفتنی است که جمع بندی منفی نظام نسبت به تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، محدود به این موارد نبوده است، بویژه که دبیر شعام نیز بارها از این موضوع انتقاد کرده بود. سرلشکر رضایی در گفتگوی ویژه تلویزیونی در اوایل شهریورماه صریحا اعلام کرده بود: «بعد از چندین بار مذاکره و بدعهدی آمریکایی‌ها باید در رفتار دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران با دنیا اصلاحاتی انجام شود.» وی در همین گفتگو مطرح کرده بود: «هم در اداره جنگ هم در دیپلماسی و هم در مسائل سیاسی-اجتماعی تحول خواهیم داشت و توان‌های جدیدی به صحنه خواهند آمد.»

وی همچنین، در اواسط مهرماه گذشته در گفت‌وگو با شبکه «پرس تی وی» درباره ابعاد زیانبار بودن تفاهم نامه اسلام آباد تأکید کرده بود که «دیپلماسی ایران تغییر کرده و دیگر به الگوی دیپلماسی گذشته بازنخواهد گشت.» سرلشکر رضایی در این گفتگو بیان داشته بود: «ما سه دور مذاکره برگزار کردیم و در هر سه دور، آمریکایی‌ها مذاکرات را نیمه‌تمام رها کرده و به ایران حمله کردند؛ بنابراین دیگر به الگوهای دیپلماتیک پیشین بازنخواهیم گشت.»

رضایی همچنین در شامگاه شنبه ۱۰ آبان طی سخنانی به تبیین ضعف‌های اسلام‌آباد پرداخت. وی با اشاره به تفاوت شروط جدید ایران با تفاهم اسلام‌آباد اعلام کرده بود که در متن پیشین، درباره مدیریت تنگه هرمز عبارت «با رعایت حقوق بین‌الملل» گنجانده شده بود که زمینه تفسیرهای متفاوت را فراهم می‌کرد اما در شروط جدید، ابهامات برطرف شده است. وی همچنین از پیش‌بینی ترتیباتی خبر داده بود که بر اساس آن، دریافت و جوه دیگر مانند گذشته نسیه نباشد. همین دو جمله سرلشکر رضایی کافی بود تا بسیاری از تبلیغاتی که حامیان تفاهم اسلام‌آباد طی ماه‌های گذشته درباره این تفاهم زیانبار داشتند مورد بازنگری قرار گیرد.

تأکید سردار رضایی بر ضرورت دریافت قطعی و نقدی پول‌های بلوکه‌شده به جای وعده‌های نسیه در اسلام‌آباد، نشان‌دهنده اهمیت مسئله‌ای بود که باید از همان ابتدا در دستور کار تنظیم کنندگان تفاهم‌نامه قرار می‌گرفت. به عبارت روشن‌تر با توضیحات دبیرشعام راجب ابعاد تفاهم‌نامه مشخص شد که متن پیشین، برخلاف ادعاهای برخی حامیان آن، دارای ابهامات حقوقی و نواقص اجرایی بوده که اکنون ضرورت اصلاح آن‌ها مطرح شده است.

با این حال و با توجه به فرمایش صریح رهبر انقلاب و نکات دقیق دبیر شعام و توضیحاتی که سعید جلیلی، نماینده رهبر انقلاب درباره تفاهم‌نامه اسلام‌آباد داشت، مشخص نیست که چرا با توجه صریح تر بودن فرمایش رهبر انقلاب و نکات قاطع دبیرشعام، حامیان تفاهم‌نامه به تعبیر سوءتفاهم خورده گرفتند و آن را مورد هجمه قرار دادند.



قالیباف مورد تایید اصلاح‌طلبان است

بهزاد نبوی رئیس سابق جبهه اصلاحات گفت: قالیباف در توافق با امریکا در اسلام‌آباد نقش بسیار خوبی داشت و مورد تایید اصلاح‌طلبان است.

سوالات صمصامی از قالیباف و اژه‌ای درباره پرونده رسایی



در پی انتشار صوت حجت‌الاسلام رسایی از زندان، موجی از واکنش‌ها پیرامون این صوت و تخلفات و تبعیض‌هایی که علیه این نماینده زندانی شده که با شکایت قالیباف شکل گرفته است، ایجاد شد. درهمین راستا روز گذشته، حسین صمصامی، نماینده مردم تهران طی نامه‌ای خطاب به رئیس قوه قضاییه و مجلس ۱۶ سوال مطرح کرد. سوالاتی که نماینده مردم تهران در این نامه مطرح کرد و خواستار شفافیت شد، با محوریت موضوعاتی نظیر «سابقه زندانی کردن یک نماینده در زمان ایفای وظایف نمایندگی»؛ «وضعیت پرونده طبری»؛ «پرونده تخلفات وزیرسابق راه و شهرسازی»؛ «ابهامات در خصوص تابعیت آلمانی فرزند معاون اول رئیس جمهور»؛ « وضعیت پرونده اعاده دادرسی حجت‌الاسلام رسائی»؛ « چرایی عدم موافقت با پابند الکترونیکی بجای زندان،»؛ « چرایی عدم موافقت با درخواست مرخصی آقای رسائی»؛ « صحت ماجرا و چرایی جلوگیری از رسیدن برگه‌های مجلس به حجت‌الاسلام رسائی»؛ « وضعیت و ابهامات ارتباط رسایی با وکیل خود»؛ « چرایی عدم برخورد با دستکاری آرای نمایندگان و ارقام بودجه جابه‌جا شده و اضافه شدن مطالبی به بیانیه نمایندگان»؛ « چرایی عدم برخورد با رئیس مجلس نسبت به تخلفات زیرمجموعه‌های خود»؛ « وضعیت حضور مجازی حجت‌الاسلام رسائی برای ایفای وظایف قانونی نمایندگی»؛ «چرایی قطع دسترسی حجت‌الاسلام رسائی به سامانه الکترونیکی مجلس»؛ « تفاوت آشکار و نامتناسب حکم رسایی و کواکبیان»؛ «شائبه سیاسی بودن و انتقام جویی در برخورد با حجت‌الاسلام رسائی» همراه بود.

مجمع نمایندگان ملت مبعوث طی نامه‌ای خطاب به پزشکیان از برخی گزینه‌های مطرح برای تصدی وزارت اطلاعات انتقاد کرد

هشدار مجلس درباره گزینه‌های پیشنهادی



در یک اتفاق بی‌سابقه در دوران جمهوری اسلامی، یک وزارتخانه ۸ ماه است بدون وزیر مانده و دولت از معرفی وزیر پیشنهادی خود سرباز می زند. حجت‌الاسلام و المسلمین سید اسماعیل خطیب وزیر شهید اطلاعات ۲۷ اسفندماه گذشته در جریان آمریکایی صهیونیستی علیه میهن‌مان به شهادت رسید. طبق قانون، دولت می‌بایست سه ماه بعد یعنی ۲۷ خردادماه امسال گزینه خود برای این وزارتخانه را معرفی می‌کرد اما این مهم هنوز محقق نشده است. برخی اخبار از اصرار رئیس دولت برگزینه پیشنهادی خود برای این وزارتخانه حکایت دارد. برخی نیز معتقدند تعطیلی چندین ماهه صحن موجب شده تا مجلس نتواند نقش نظارتی خود را در این‌باره به درستی ایفا کند و به همین خاطر نیز نمایندگان برای ابراز انتقادات گسترده خود به این موضوع راهی جز بیانیه و مصاحبه نمی‌یابند.

جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

طی هفته‌های اخیر بسیاری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از طیف‌های مختلف نسبت به عدم معرفی وزیر پیشنهادی اطلاعات انتقاد کرده اند. این رویکرد، ابتدا از سوی تعداد محدودی از نمایندگان آغاز شد و در ادامه به روسای برخی کمیسیون‌ها مانند جوکار رئیس کمیسیون امور داخلی و شوراهای مجلس و سپس برخی اعضای هیات رئیسه مجلس مانند رشیدی نماینده مردم کرمانشاه کشیده شد. برخی نمایندگان مانند ثابتی نیز خبر داده اند که علت عدم جمعبندی در این خصوص، اصرار رئیس دولت بر گزینه‌های خاص است. ثابتی در اینباره گفته‌است: رئیس جمهور نباید بر گزینه‌ای که رهبرانقلاب با آن مخالفت کرده‌اند اصرار کند، چنین مساله‌ای به صلاح کشور نیست.

در ادامه همین روند، مجمع نمایندگان ملت مبعوث متشکل از بیش از ۱۳۰ نماینده، طی نامه‌ای سرگشاده خطاب به مسعود پزشکیان، موارد مهمی را درباره ضرورت معرفی وزیر پیشنهادی اطلاعات و شرایط لازم برای تصدی این جایگاه را اعلام کرد. نمایندگان در این نامه اشاره کرده‌اند که بیش از ۸ ماه از شهادت وزیر محترم اطلاعات حجة الاسلام والمسلمین خطیب می گذرد و با گذشت و منقضی شدن موعد قانونی دوره سرپرستی این وزارتخانه هم‌اکنون ادامه وضع موجود هیچ توجیه قانونی ندارد. در بخشی از این نامه با تصریح براینکه برخی اخبار واصله نسبت به یکی از گزینه‌های محتمل که فاقد برخی شرایط می باشد ،آمده است: اعتقاد و همراهی صد در صد با مقام ولایت و رهبری که رکن رکین نظام اسلامی است جزو شروط قطعی و غیر قابل گذشت است، انتظار این است که هرگزینه‌ای که فاقد این ویژگی است یا علامت و اماره‌ای وجود دارد که این خصوصیت را تضعیف می کند به مجلس معرفی نشود.

در بخش دیگری از این نامه آمده است: با توجه به جایگاه خطیر و رسالت مهم این وزارتخانه در ایجاد امنیت عمومی، فرد مورد نظر باید حقیقتاً معتقد به اصول و مبانی نظام اسلامی باشد و به قانون اساسی که میثاق ملی است باور قلبی داشته باشد از این رو انتظار این است فردی که در سخنرانی ها و مناظرات گذشته از خطوط قرمز نظام عبور کرده و برخلاف اصول اساسی نظام و قانون اساسی اظهاراتی داشته پرهیز شود.

در پایان این نامه نیز با تاکید براینکه از آن جا که وزیر اطلاعات تامین کننده امنیت همه مردم است انتخاب افراد تابلودار و دارای برچسب سیاسی برای چنین جایگاهی سم مهلک است و به این جایگاه آسیب جدی می زند، بنابراین نسبت به افرادی که دارای عضویت یا رکنیت در احزاب سیاسی هستند، خوب است پرهیز شود آمده است: با توجه به موارد فوق الذکر و از آنجا که خبرهای واصله حکایت از آن دارد که برخی از گزینه های مورد نظر فاقد شرایط فوق می باشد «نمایندگان مجمع امت مبعوث» موکدا از حضرت عالی می خواهند نسبت به معرفی چنین گزینه‌ای که ممکن است انسجام و اتحاد مقدس را به خطر بیاندازد خودداری شود و نسبت به گزینه‌ای که واجد شرایط فوق باشد اقدام فوری و عاجل مبذول فرمایید .

تکذیب ادعای حذف شرط اجتهاد وزیر اطلاعات

احمد بخشایش اردستانی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی ایران، در واکنش به ادعای مطرح شده درباره حذف شرط اجتهاد برای وزیر اطلاعات اعلام کرد این مورد مربوط به قانون است و در دو جلسه اخیر این کمیسیون چنین موضوعی بحث نشده است.

یادداشت

پیام ۱۳ آبان، سفیدشویی دموکرات ها را خنثی کرد

علیرضا عباسی
نماینده مردم کرج

بعد از صدور پیام حکیمانه رهبر معظم انقلاب به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی، این سؤال مطرح است که آیا هنوز در کشور و در بین مسئولین کسانی هستند که به تغییر رفتار یا جابه‌جایی های حزبی و جناحی در نظام سلطه امید داشته باشند؟ و آیا هنوز کسانی هستند که تصور می کنند با امتیاز دادن به آمریکا می توانند او را از دشمنی با ملت ایران منصرف کنند؟ اگر پاسخ مثبت است و افرادی با این طرز فکر در بین مسئولین یا اطرافیان و مشاوران آنها وجود دارند، باید محاسبات خود را تغییر دهند و بدانند که سخت در اشتباه هستند و این تصور باطل، ناسپاسی نسبت به ملت مسلمان ایران و دستاوردهایی است که در سایه توکل، استقامت و مجاهدت این ملت به دست آمده است.

از این رو همه باید مراقب باشیم و توجه داشته باشیم؛ همان‌طور که در مرگ بر ترامپ جنایتکار و قاتل و انتقام از این تروریست وحشی هیچ تردیدی وجود ندارد و همه امت اسلام در هر سطحی موظف به مشارکت در انتقام از خون امام شهید و تمامی شهدای دو جنگ اخیر هستیم، اما این مشکل نباید در ترامپ، نتانیاهو و بایدن خلاصه شود؛ بلکه ریشه مشکل در ساختار استکباری و سیاست‌های کلان نظام سلطه است و تغییر چهره‌ها و احزاب نباید به معنای تغییر ماهیت تقابل استراتژیک با نظام سلطه تلقی شود.

ممکن است برخی بخواهند با تمرکز بر ترامپ جنایتکار، به دنبال عبور از «مرگ بر آمریکا» و ساختار نظام سلطه و استکبار باشند و در نهایت رابطه با آمریکای جنایتکار را سفیدشویی نمایند. به همین دلیل نیز حکیم انقلاب اسلامی، همان‌طور که بعد از تفاهم اسلام‌آباد پیام علی الاصول را صادر کردند، در این ایام هم پرهیز از سفیدشویی آمریکا بعد از شکست سخت جمهوری خواهان و ترامپ را به همگان گوشزد نمودند و مشخص کردند که برای ایران اسلامی، جمهوری خواه و دموکرات تفاوتی نمی کند؛ چرا که یکی مشت چدنی دارد و دیگری روی مشت چدنی‌اش دستکش مخملین پوشیده، ولی ذات هر دو استکبار است و هدف غایی آنها غارت منافع ملی کشورها و به سلطه و تسلیم کشاندن ملت‌هاست.

پس مراقب باشیم مسیر را اشتباه نرویم. برخی از مسئولین هم باید مراقب باشند، هم خودشان دچار خطای محاسباتی نشوند و هم کشور را به بیراهه تسلیم در قالب مذاکره و توافق نکشانند و به آرزوی شیطان بزرگ که تسلیم شدن بی قید و شرط ملت ایران است کمک نکنند و متوجه باشند که کمترین گرایش تسلیم‌آمیز، سرمایه عظیم ملت را بر باد خواهد داد و دشمن جنایتکار را برای زیاده خواهی بیشتر و ادامه جنگ‌ها و جسارت‌های بعدی امیدوار و مصمم می کند.

خبر کوتاه

سخنگوی ارتش: اجازه بازسازی پایگاه‌های دشمن در منطقه را نخواهیم داد

امیراکرمی نیا اعلام کرد: به اذعان منابع معتبر بین‌المللی، بیش از ۲۲۸ نقطه از پایگاه‌ها و مراکز استقرار آمریکا در منطقه به کلی آسیب جدی دیده یا منهدم شده‌اند. هیچ پایگاهی در منطقه برای انجام مأموریت‌های عملیاتی آن‌ها باقی نمانده و ناچارند سوخت شناورها و جیرهٔ نیروهای خود را از خارج از منطقه تأمین کنند.

دیوان محاسبات: حذف کالابرگ خانوارها غیرقانونی است



دیوان محاسبات کل کشور اعلام کرد: بر اساس جدول شماره ۱۴ قانون بودجه امسال، ۹۹۶ هزار میلیارد تومان به‌صورت مطلق و با عنوان «کالابرگ الکترونیک بابت یکپارچه‌سازی نرخ ارز در سال ۱۴۰۴» برای اجرای طرح کالابرگ پیش‌بینی شده است. این در حالی است که قانون‌گذار در احکام بودجه، حکمی مبنی بر آزمون وسع یا حذف مشمولان از این طرح مقرر نکرده و آیین‌نامه‌های اجرایی مواد ۲۸ و ۷۳ قانون برنامه هفتم نیز که ناظر بر آزمون وسع هستند، صرفاً به موضوعات بیمه‌ای اختصاص دارد. بر این اساس، حذف بخشی از مشمولان کالابرگ، صرفاً با تشخیص وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و بر مبنای شاخص‌های اعلام‌شده، فاقد مجوز قانونی است؛ به‌ویژه آنکه مبلغ ۹۹۶ هزار میلیارد تومان، حسب مشروح مذاکرات و اظهارات مسئولان ذی‌ربط، برای برخورداری تمام ایرانیان در سال جاری پیش‌بینی شده است. دیوان محاسبات تأکید کرد که بررسی مبانی قانونی حذف خانوارها، صحت شناسایی و حذف مشمولان، منابع و مصارف ناشی از اجرای طرح و عملکرد دستگاه‌های مسئول را با هدف صیانت از حقوق مشمولان و انطباق اجرای طرح با احکام قانون بودجه، در دستورکار قرار داده است. با این حال، احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، از افزایش ۵۰۰ هزار تومانی رقم کالابرگ برای برخی از افراد از جمله مددجویان کمیته امداد و بهزیستی، معلولان، بیماران خاص، کودکان دچار سوءتغذیه، افراد بالای ۶۰ سالِ فاقد درآمد و بیمه بازنشستگی، و خانوارهایی که مجموع درآمد و هزینه‌کرد خانوار سه‌نفره آن‌ها کمتر از ۲۰ میلیون تومان در ماه بوده و فاقد ملک و خودرو هستند، خبر داد و گفت: مجموع این افراد ۴۰ میلیون نفر بودند که اسامی آن‌ها به سازمان برنامه و بودجه ارسال و کالابرگ مازاد به آن‌ها پرداخت شد. در نوبت اول، برای ۳۵ میلیون نفر افزایش رقم کالابرگ اعمال شد. به آن‌ها نیز از طریق پیامک که به شماره همراه سرپرست خانوار ارسال می‌شود، اطلاع‌رسانی می‌شود و باید منتظر باشند تا این افراد نیز اضافه شوند. او در پاسخ به این پرسش که آیا افزایش ۵۰۰ هزار تومانی کالابرگ از محل حذف کالابرگ افراد پردرآمد بوده است، گفت: منابع توسط سازمان برنامه و بودجه تأمین شده است؛ البته بخشی از منابع نیز از محل حذف کالابرگ گروهی که کالابرگ آن‌ها حذف شده، تأمین می‌گردد.

موج خبر

زیان خالص ۲۴ همتی بانک ایران‌زمین در ۶ ماه

براساس اطلاعات صورت مالی بانک ایران‌زمین، این بانک در ۶ ماهه نخست امسال زیان خالصی نزدیک به ۲۴ هزار میلیارد تومان را تجربه کرده است. این مقدار در نیمه نخست سال گذشته حدود ۱۴.۸ همت بوده است. زیان خالص امسال منجر به افزایش زیان انباشته و رسیدن آن به نزدیک به ۱۱۲ هزار میلیارد تومان شده است.

افزایش ۳۵ درصدی حقوق در مقابل تورم ۸۰ درصدی

پس از ابلاغ بخشنامه تدوین بودجه سال آینده، روز گذشته سازمان برنامه و بودجه کشور پیوست‌های ۹گانه بخشنامه تهیه و تنظیم لایحه بودجه را منتشر کرد. براساس ضوابط مالی ابلاغ‌شده از سوی رئیس جمهور، متوسط افزایش حقوق کارکنان دولت در سال آینده نسبت به امسال، ۳۵ درصد در نظر گرفته شده است. این افزایش قرار است به‌صورت پلکانی اعمال شود و رویکرد آن، افزایش بیشتر حقوق‌های پایین‌تر باشد؛ البته رقم ۳۵ درصد به معنای افزایش یکسان حقوق تمام کارکنان نیست و نحوه اعمال این افزایش، پس از بررسی و تصویب هیئت وزیران مشخص خواهد شد. پیش‌بینی افزایش متوسط ۳۵ درصدی حقوق در حالی تعیین شده که در بودجه امسال، متوسط افزایش حقوق ۲۰ درصد بود. از سوی دیگر، نرخ تورم سالانه در مهرماه ۱۴۰۵ براساس گزارش مرکز آمار به ۷۶.۸ درصد رسید، یعنی تورم سالانه در محدوده ۸۰ درصد قرار دارد. مقایسه این ارقام نشان می‌دهد که حتی در صورت تحقق افزایش متوسط ۳۵ درصدی حقوق در سال آینده، فاصله قابل‌توجهی میان رشد حقوق پیش‌بینی‌شده و نرخ تورم فعلی وجود دارد. این در حالی است که مسعود پزشکیان در ایام انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۳ می‌گفت: «این ظلم به کارمند و کارگر است که حداقل حقوق مطابق نرخ تورم افزایش نمی‌یابد. باید کار و روندی را پیش بگیریم تا حقوق با تورم همسان باشد.»

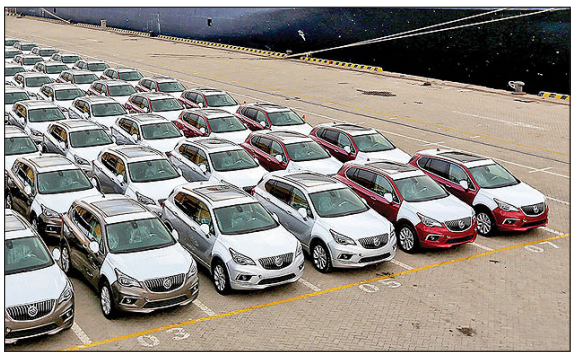
چرا مواد اولیه داخلی گران‌تر از وارداتی است؟

دبیر انجمن صنایع شوینده، بهداشتی و آرایشی ایران می‌گوید: ۶۰ درصد از قیمت تمام‌شده محصولات شوینده مستقیماً به مواد اولیه پتروشیمی وابسته است و بخش عمده‌ای از هزینه‌های تولید متوجه این حوزه می‌شود. حسام بیگدلو با اشاره به فرمول‌بندی قیمت مواد اولیه پتروشیمی تصریح کرد: قیمت پایه محصولات پتروشیمی بر اساس ۹۵ درصد قیمت‌های جهانی (فوب خلیج فارس) به همراه نرخ دلار در سامانه معاملات تعیین می‌شود. قرار بود عرضه کالا در بورس کالا به شفافیت بازار کمک کند، اما نه‌تنها خبری از این شفافیت نیست، بلکه تولیدکنندگان پی درپی با رشد قیمت‌ها مواجه می‌شوند.

گزارش نوبنیاد از تعرفه یکسان برای خودروی اقتصادی و لوکس نشان می‌دهد؛

رانت جدید در بازار انحصاری خودرو

بازار خودرو سال‌هاست با دو مشکل مزمن انحصار و قیمت‌های بالا دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ بازاری که در آن مصرف‌کننده نه از تنوع کافی برخوردار است و نه می‌تواند با اطمینان از کیفیت و قیمت مناسب خودرو خریداری کند. در چنین شرایطی، واردات خودروهای اقتصادی و باکیفیت یکی از راهکارهایی است که کارشناسان برای افزایش رقابت، بهبود کیفیت تولیدات داخلی و حتی تعدیل قیمت‌ها مطرح می‌کنند. با این حال، تصمیم اخیر درباره افزایش تعرفه واردات خودرو به ۱۰۰ درصد، پرسش‌های جدی درباره جهت‌گیری سیاست‌گذاری ایجاد کرده است.



نیما سهیلی
روزنامه‌نگار

براساس مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا، حقوق ورودی تمامی خودروهای بنزینی و هیبریدی وارداتی به سرزمین اصلی در سال ۱۴۰۵، صرف‌نظر از محل تأمین ارز، حداقل ۱۰۰ درصد تعیین شده است. به این ترتیب، نظام تعرفه‌ای که پیش از این میان خودروها براساس حجم موتور و نوع فناوری تفاوت قائل می‌شد، عملاً با تغییر مواجه شد. پیش از این تعرفه خودروهای هیبریدی ۱۵ درصد، خودروهای بنزینی تا ۱۵۰۰ سی‌سی ۲۰ درصد و خودروهای ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ سی‌سی ۴۰ درصد بود. در مقابل، خودروهای با حجم موتور ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ سی‌سی مشمول تعرفه ۱۳۰ درصدی و خودروهای ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ سی‌سی مشمول تعرفه ۱۴۵ درصدی بودند. اما اکنون با تعیین حداقل حقوق ورودی ۱۰۰ درصدی، فاصله میان خودروهای اقتصادی و خودروهای گران‌قیمت و پرمصرف به‌شدت کاهش یافته است. به بیان ساده، خودرویی با موتور کم‌حجم که می‌تواند مصرف سوخت پایین‌تری داشته باشد، در کنار خودرویی با موتور بزرگ‌تر و مصرف سوخت بیشتر، با حداقل حقوق ورودی یکسان مواجه می‌شود. این در حالی است که کشورمان با ناترازی بنزین روبه‌روست. خودروهای اقتصادی کم‌مصرف می‌توانند بخشی از تقاضای موجود در بازار را تامین کنند و با افزایش عرضه، زمینه رقابت با تولیدات داخلی را فراهم کنند. این رقابت فقط به قیمت محدود نمی‌شود؛ بلکه خودروسازان داخلی نیز برای حفظ بازار خود ناچار می‌شوند کیفیت محصولات، امکانات و خدمات پس از فروش را بهبود دهند.

چرا واردات خودروهای اقتصادی ضروری است؟

محمد رستمی، رئیس کمیته خودرو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، با تأکید بر ضرورت واردات خودروهای اقتصادی و باکیفیت گفت: ما بارها بر ضرورت واردات خودروهای اقتصادی باکیفیت به کشور تأکید کرده‌ایم؛ چراکه مطالبه به حق مردم است که با واردات این خودروها و ایجاد فضای رقابت‌پذیر نسبت به ارتقای کیفیت خودروهای داخلی نیز اقدام شود. او تصریح کرد: بی‌تردید با افزایش واردات خودرو، میزان عرضه نیز افزایش می‌یابد و در پی آن قیمت خودروها در بازار نیز تعدیل خواهد شد؛ ضمن اینکه می‌توان تنوع خودروهای مورد سلیقه مردم و حق انتخاب برای آنها را افزایش داد.

این اظهارات نشان می‌دهد واردات خودرو در نگاه مجلس، باید کارکرد تنظیم‌گری داشته باشد؛ یعنی با افزایش عرضه و ایجاد رقابت، شرایط بازار را به نفع مصرف‌کننده تغییر دهد. از سوی دیگر، افزایش هزینه واردات لزوماً به معنای افزایش درآمد پایدار دولت نیست. اگر تعرفه‌های بالا موجب کاهش واردات و محدودتر شدن عرضه شود، نتیجه آن می‌تواند تداوم شرایط انحصاری بازار و افزایش فشار قیمتی بر مصرف‌کننده باشد. در چنین شرایطی، سیاست درآمدزایی دولت ممکن است با هدف تنظیم بازار در تعارض قرار گیرد.

رانت برای واردکنندگان قبلی

یکی دیگر از پیامدهای قابل تأمل تغییر تعرفه‌ها، رانت ایجاد شده برای واردکنندگانی است که پیش از اجرای تعرفه جدید اقدام به واردات خودرو کرده‌اند. واردکنندگانی که خودروهای خود را با حقوق ورودی پایین‌تر وارد کرده یا مراحل واردات را با تعرفه‌های قبلی پیش برده‌اند، در مقایسه با واردکنندگان جدید از مزیت هزینه‌ای برخوردار می‌شوند. برای روشن شدن موضوع کافی است یک خودروی اقتصادی را در نظر بگیریم که پیش از این با حقوق ورودی ۲۰ درصدی وارد می‌شد، اما اکنون باید حداقل ۱۰۰ درصد حقوق ورودی بپردازد. طبیعی است خودرویی که با تعرفه قبلی وارد شده، در صورت عرضه در بازار، از موقعیت قیمتی متفاوتی نسبت به خودروی مشابهی برخوردار خواهد بود که با مقررات جدید وارد می‌شود. این یعنی تصمیمی که با هدف جبران کسری منابع دولت مطرح شده، می‌تواند در عمل به نفع گروهی تمام شود که پیش از تغییر مقررات به بازار ورود کرده‌اند.

وزارت صمت: با افزایش تعرفه مخالف بودیم

نکته قابل توجه آن است که وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز با افزایش تعرفه واردات خودرو موافق نبوده است. عزت‌الله زارعی، سخنگوی وزارت صمت، درباره روند تصویب تعرفه‌های جدید گفت: در فرایند تصویب تعرفه‌های جدید واردات خودرو، وزارت صمت حضور نداشت، اعتقاد وزارت صمت این است که واردات خودرو باید نقش تنظیم‌گری بازار را داشته باشد و نه نقش جبران کسری منابع دولت، این مصوبه در جلسه سران قوا بوده، اما هنوز به‌طور رسمی از سوی مرجع صادرکننده ابلاغ نشده است. وی افزود: وزارت صنعت، معدن و تجارت مخالف افزایش تعرفه واردات خودرو بود و اعلام کردیم که این اقدام چه آثاری بر بازار دارد. سخنگوی وزارت صمت تاکید کرد: بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه کشور برای جبران کسری منابع دولت، موضوع افزایش تعرفه واردات خودرو را مطرح کردند. زارعی تأکید کرد: واردات خودرو ممنوع نشده و صرفاً واردات از طریق ایرانیان مقیم خارج از کشور ممنوع شده است. حدود ۲۵ هزار دستگاه خودرو از ابتدای سال جاری وارد کشور شده و واردات با تأمین ارز از محل سپرده خود و دیگران ادامه خواهد داشت. این اظهارات نشان می‌دهد اختلاف نظر درباره فلسفه واردات خودرو به سطح دستگاه‌های اجرایی نیز رسیده است. از یک طرف، وزارت صمت واردات را ابزاری برای تنظیم بازار می‌داند و از طرف دیگر، افزایش حقوق ورودی با هدف تأمین منابع دولت دنبال شده است. مسئله اینجاست که اگر قرار باشد واردات خودرو به محلی برای جبران کسری بودجه تبدیل شود، کارکرد اصلی آن یعنی ایجاد رقابت و افزایش قدرت انتخاب مصرف‌کننده تحت‌تأثیر قرار خواهد گرفت.

موضوع دیگری که در مصوبه اخیر مورد توجه قرار گرفته، نحوه عرضه سهمیه ثبت سفارش واردات خودرو از طریق بورس کالاست. براساس توضیحات سخنگوی وزارت صمت، دولت مکلف شده سهمیه واردات را از مسیر بازار رقابت عرضه کند؛ با این حال، هنوز سازوکار اجرایی آن مشخص نشده است. زارعی در این باره گفت: در مصوبه اخیر سران قوا، عرضه ثبت سفارش واردات خودرو، از طریق بورس کالا عنوان شده و دولت مکلف شده که سهمیه واردات را از طریق بازار رقابت عرضه کند، برای این موضوع فعلاً سازوکاری مشخص نشده است و این اقدام می‌تواند تبدیل به انحصار در واردات خودرو شود. وی اضافه کرد: عرضه سهمیه واردات خودرو در بورس کالا باعث افزایش قیمت خودرو می‌شود و یک بازار انحصاری برای واردات ایجاد می‌کند، وزارت صمت مخالفت خود را در این باره نیز اعلام کرده است و منتظر تصمیم نهایی هستیم.

آشفتگی در تصمیم‌گیری‌ها

علیرضا سلیمی، عضو هیأت رئیسه مجلس، با انتقاد از تعدد اظهارنظرهای مسئولان درباره واردات خودرو گفت: وقتی هر روز یک مقام مسئول از خواب بیدار شود و اظهارنظری در رابطه با نحوه واردات خودرو داشته باشد، باعث بلاتکلیفی هم مردم، هم بازار و هم شرکت‌های واردکننده می‌شود. او با اشاره به آشفتگی در تصمیم‌گیری‌های حوزه خودرو ادامه داد: واردات خودرو قانون مجلس است و آقایان در حوزه اجرا نمی‌توانند با مصاحبه و آیین‌نامه مقابل آن بایستند و اینکه طی نشست‌هایی در وزارتخانه، قانونی که مصوب و به‌صورت نهایی تأیید شده است را پیچیده کنند، اقدامی شگفت‌انگیز است. این نماینده مجلس با اشاره به کاهش تیراژ خودروسازی‌های داخلی تصریح کرد: امروز تیراژ خودروسازی‌های داخلی پایین آمده است و این نوع مصاحبه‌ها نیز به وضعیت آشفته بازار دامن می‌زند و نتیجه آن افزایش ناگهانی قیمت خودروهایی همچون دنا تا چهار میلیارد تومان است، در حالی که قیمت آن یک سال و نیم گذشته ۷۰۰ میلیون تومان بود.

مسئله اصلی در سیاست جدید واردات خودرو فقط افزایش تعرفه نیست؛ بلکه تغییر اولویت‌های سیاست‌گذاری در بازاری است که بیش از هر زمان دیگری به رقابت نیاز دارد. در شرایطی که خودروهای داخلی با محدودیت عرضه و مشکلات کیفیت مواجه‌اند و کشور نیز با ناترازی انرژی دست‌وپنجه نرم می‌کند، یکسان‌سازی حداقل حقوق ورودی خودروهای اقتصادی و لوکس، پرسش‌های جدی درباره منطق این تصمیم ایجاد می‌کند. بازار خودرو برای خروج از انحصار به سیاست‌های باثبات، رقابت واقعی و افزایش عرضه خودروهای اقتصادی نیاز دارد؛ نه تصمیم‌هایی که با تغییر ناگهانی قواعد، هزینه واردات را افزایش دهد و موقعیت اقتصادی برخی بازیگران را بهبود ببخشد.

خضریان در گفت‌وگو با نوبنیاد مطرح کرد؛

کروز در حال بلعیدن مدیریت ایران خودرو است

واگذاری ۲۰ درصد سهام شرکت سپهر کیش ایرانیان به بهمن موتور، به یکی از پرونده‌های بحث‌برانگیز صنعت خودرو تبدیل شده است؛ معامله‌ای به ارزش بیش از ۵.۳ هزار میلیارد تومان که اهمیت آن فراتر از خرید و فروش سهام یک شرکت است و می‌تواند آرایش قدرت و موازنه مدیریتی در ایران خودرو را تحت تأثیر قرار دهد. سپهر کیش ایرانیان ۱۰.۳۱۹ درصد سهام ایران خودرو را در اختیار دارد و تغییر ترکیب سهامداران آن می‌تواند بر ساختار مدیریتی این خودروساز اثرگذار باشد.



هادی مولایی
روزنامه‌نگار

تعاونی خاص کارکنان ایران خودرو با ۳۵.۷۵ درصد، کروز با ۳۱.۷۵ درصد و نگار نصر با ۳۰ درصد، از سهامداران اصلی سپهر کیش هستند. با واگذاری ۲۰ درصد سهام سپهر کیش به بهمن موتور و با توجه به مالکیت ۷۰ درصدی کروز در این شرکت، مجموع سهم کروز و بهمن موتور در سپهر کیش به ۵۱.۷۵ درصد می‌رسد؛ ترکیبی که می‌تواند کنترل مدیریتی این شرکت را به کروز منتقل کند. اما آنچه این معامله را با پرسش‌های جدی مواجه کرده، فقط تغییر احتمالی مدیریت نیست. مزایده فروش سهام در شرایطی برگزار شده که بهمن موتور تنها متقاضی آن بوده و پیشنهاد این شرکت برای هر سهم، فقط یک ریال بالاتر از قیمت پایه بوده است. از سوی دیگر، با وجود اعتبار یک ماهه پیشنهادهای مزایده، قرارداد معامله ۹ ماه پس از اعلام نتیجه امضا شده است. علی خضریان، نماینده مردم تهران و عضو کمیسیون اصل نود مجلس، در نامه‌ای به دادستان کل کشور، خواستار ورود فوری دستگاه قضایی به واگذاری ۲۰ درصد سهام شرکت سپهر کیش ایرانیان به بهمن موتور و جلوگیری از تضییع حقوق ۷۰ هزار سهامدار تعاونی خاص کارکنان ایران خودرو شد.

خرید سهام با قیمت سال گذشته!

خضریان در گفت‌وگو با نوبنیاد، با اشاره به ابهامات واگذاری سهام شرکت سپهر کیش ایرانیان به گروه بهمن، گفت: نحوه قیمت‌گذاری این معامله محل سؤال است و مستنداتی که بتواند مبنای دقیق تعیین قیمت هر سهم سپهر کیش ایرانیان را مشخص کند، ارائه نشده است. مشخص نیست قیمت پایه ۸۷ هزار و ۲ ریال برای هر سهم بر چه مبنایی تعیین شده است. وی افزود: مزایده این معامله در آذرماه ۱۴۰۴ برگزار و نتیجه آن در بهمن ماه همان سال اعلام شد. یکی از شروط مزایده این بود که خریدار باید حداکثر ظرف یک ماه وجه معامله را پرداخت کند. با این حال، اکنون در آبان ۱۴۰۵ قرارداد آن امضا و در سامانه کدال ثبت شده است؛ یعنی با وجود تورم و رشد قیمت سهام در این مدت، بهمن موتور با همان قیمت پایه مزایده آذرماه ۱۴۰۴ و تنها با یک ریال بیشتر، سهام را خریداری کرده است. این نماینده مجلس تأکید کرد: برای درک این موضوع نیازی به مراجعه به اقتصاددان نیست؛ هر فرد منصفی می‌تواند تشخیص دهد که نمی‌توان سهمی را که قیمت آن برای خرید در آبان ۱۴۰۴ تعیین شده، در آبان ۱۴۰۵ نیز با همان قیمت معامله کرد. خضریان با اشاره به اینکه سپهر کیش ایرانیان متعلق به تعاونی خاص کارکنان ایران خودرو است، بیان کرد: این سهام متعلق به کارکنان، بازنشستگان و مجموعه تعاونی خاص کارکنان ایران خودرو است. در واقع، حق کارگران را با نرخ پایین معامله می‌کنند و این قطعاً ظلم مضاعف است.

سلطه کروز بر سپهر کیش ایرانیان

وی ادامه داد: نکته جالب دیگر درباره خود سهام شرکت سپهر کیش ایرانیان این است که ۳۵ درصد آن متعلق به کارکنان و تعاونی خاص کارکنان ایران خودرو بوده، اما بهمن موتور فقط ۲۰ درصد آن را خریداری کرده است. سهامداران عمده این شرکت عبارت‌اند از: کروز با ۳۱.۷۵ درصد، تعاونی خاص کارکنان ایران خودرو با ۳۵ درصد، نگار نصر با ۳۰ درصد، آزمین خودرو با ۲ درصد و سایر سهامداران با ۰.۵ درصد. در چنین شرایطی، هدف این است که کروز از مسیر گروه بهمن موتور، سهم مدیریتی سپهر کیش ایرانیان را به دست بیاورد. عضو کمیسیون اصل نود مجلس تصریح کرد: کروز ۳۱.۷۵ درصد سهام سپهر کیش را در اختیار دارد و سهامدار عمده بهمن موتور نیز کروز است. این قطعه‌ساز با نام بهمن موتور وارد معامله شده تا ۲۰ درصد سهام سپهر کیش را خریداری کند. اگر این معامله نهایی و قطعی شود، ۵۱.۷۵ درصد سپهر کیش ایرانیان به کروز و زیرمجموعه آن، یعنی بهمن موتور، خواهد رسید و در نتیجه، کنترل مدیریتی شرکت را به دست می‌گیرد. خضریان گفت: سپهر کیش به دلیل اینکه وابسته به ایران خودرو محسوب می‌شد، براساس قانون فاقد حق رأی در مجمع ایران خودرو بود، اما وقتی سهامدار آن تغییر کند و این شرکت به کروز و بهمن موتور برسد و سهم آن‌ها در مجموع از ۵۰ درصد بیشتر شود، این شرکت می‌تواند در مجمع ایران خودرو حق رأی پیدا کند؛ زیرا دیگر وابسته به ایران خودرو محسوب نمی‌شود. آیا در قیمت‌گذاری این معامله، آثار تغییر وضعیت این شرکت در نظر گرفته شده است یا خیر؟ وی افزود: از این منظر باید دوباره قیمت‌گذاری صورت بگیرد؛ زیرا این سهام در مدیریت ایران خودرو نقش پیدا می‌کند. در حال حاضر، قیمت آن به عنوان سهام وابسته تعیین شده، اما وقتی وضعیتش تغییر کند و به یک شرکت تودلی تبدیل شود، ارزش سهام آن نیز افزایش پیدا می‌کند و دوباره حق رأی خواهد داشت. در آن صورت، کروز با در اختیار داشتن ۵۱.۷۵ درصد سهام سپهر کیش ایرانیان، بر ۱۰ درصد سهام ایران خودرو حاکم می‌شود.

این نماینده مجلس با بیان اینکه سپهر کیش ایرانیان مالک ۱۰.۳۲ درصد سهام ایران خودرو است، اظهار کرد: با این معامله، نفوذ مدیریتی کروز از مسیر بهمن موتور در ایران خودرو بیشتر می‌شود. کروز در حال حاضر از طریق خودش و شرکت‌های سرمایه‌گذاری گنجینه ایرانیان، بهمن سازه و اعتبارآفرین، در هیئت مدیره ایران خودرو حضور دارد و با این شرایط، احتمال دارد سهم و جایگاه مدیریتی آن افزایش پیدا کند و در نهایت، سیطره مدیریتی در ایران خودرو تغییر کند.

چرا بهمن موتور سهام شرکت سهامدار ایران خودرو را خرید؟

خضریان با اشاره به ورود سازمان بورس به معامله سپهر کیش ایرانیان بیان کرد: سازمان بورس سؤال‌های درست و دقیقی از بهمن موتور مطرح کرده است؛ اینکه چرا بهمن موتور که مأموریت و کارکرد اصلی آن تولید خودرو است، باید سهام یک شرکت سهامدار ایران خودرو را که متعلق به تعاونی کارکنان ایران خودرو است، خریداری کند؟ آیا چنین اقدامی در مأموریت بهمن موتور تعریف شده است؟ وی گفت: یکی از نکات مهم، ابهام در حقوق کارکنان ایران خودرو است. برای این معامله حتماً باید مجمع عمومی فوق‌العاده تعاونی برگزار می‌شد، اما چنین اتفاقی نیفتاده است. ما درباره حقوق بیش از ۷۰ هزار سهامدار تعاونی صحبت می‌کنیم. در چنین موضوعی حتماً باید مجمع فوق‌العاده برگزار می‌شد و سپس درباره قیمت‌گذاری، نحوه واگذاری و سایر مسائل تصمیم‌گیری می‌کردند.

سؤال این است که چه کسانی در پشت صحنه تصمیم گرفته‌اند به جای کارکنان ایران خودرو، این بلوک سهام را به یک خودروساز دیگر به نام بهمن موتور واگذار کنند؛ مجموعه‌ای که با سهامی که اکنون در سپهر کیش دارد، مجدداً می‌تواند بر سرنوشت ایران خودرو و کارکنان آن حاکم شود؟ سپهر کیش ایرانیان باید درباره سرنوشت کارکنان ایران خودرو پاسخ دهد و توضیح دهد که چرا چنین اقدامی صورت گرفته است.

ورود دستگاه قضایی به پرونده کروز

عضو کمیسیون اصل نود مجلس با اشاره به ضرورت ورود دستگاه قضایی به این موضوع گفت: دادستان کل باید بررسی کند چرا حقوق و منافع ۷۰ هزار نفر از کارکنان و بازنشستگان تعاونی ایران خودرو در این معامله رعایت نشده است. خضریان در پاسخ به این پرسش که مجلس چه اقدامی برای پیگیری این موضوع انجام داده است، گفت: کمیسیون صنایع و معادن مجلس بهمن سال گذشته نامه‌ای به قوه قضاییه درباره واگذاری مدیریت ایران خودرو به کروز ارسال کرد، اما هنوز از بررسی این نامه در قوه قضاییه اطلاعی ندارم. اگر قرار باشد اتفاقی در این زمینه رخ دهد، ابتدا باید پرونده‌های قضایی کروز در دادگاه تعیین تکلیف شوند. نمی‌دانم این پرونده اکنون به کجا رسیده است. البته سخنگوی قوه قضاییه اعلام کرده بود که پرونده در حال رسیدگی است، اما تاکنون ندیده‌ام رأیی صادر شده باشد و دست‌کم از صدور رأی مطلع نشده‌ام. خضریان ادامه داد: مجمع ایران خودرو در بهمن ۱۴۰۳ و واگذاری مدیریت بزرگترین خودروساز کشور به کروز ابهامات زیادی داشت. کسانی که در آن روز مجوزهای قانونی را برای ثبت و برگزاری این مجمع صادر کردند از جمله آقای همتی در دولت و سازمان بورس در آن مقطع، باید پاسخگو باشند. البته دستگاه قضایی مانع این اتفاق نشد. امروز نیز مسیر اصلاح این وضعیت از طریق دستگاه قضایی و سازمان بورس می‌گذرد. مسئله دوم این است که درباره معامله سپهر کیش، بیش از هر دستگاه دیگری، قوه قضاییه امکان ورود دارد.

انحصار کروز و افزایش‌های متوالی قیمت خودرو

خضریان درباره انگیزه کروز برای در اختیار گرفتن مدیریت ایران خودرو گفت: وقتی مدیریت یک خودروساز در اختیار یک قطعه‌ساز و واردکننده قرار می‌گیرد، انحصار در تولید و واردات قطعه شکل می‌گیرد. بررسی پرونده‌های گذشته کروز نشان می‌دهد که این شرکت متهم به گران‌فروشی بوده و مواردی را مشاهده می‌کنید که قطعه یک‌دلاری گاهی به قیمت ۶ دلار به ایران خودرو فروخته شده است. با بررسی این پرونده‌ها، پشت‌صحنه ماجرا روشن‌تر می‌شود. نتیجه چنین وضعیتی را در افزایش قیمت و گران‌فروشی مشاهده خواهید کرد. وقتی در صنعت خودرو انحصار ایجاد شود و در کنار آن، انحصار قطعه‌ساز را نیز شکل می‌دهید، قطعه‌ساز به تعیین‌کننده بازار تبدیل می‌شود. در چنین شرایطی، خودرو در طول سال چند بار گران خواهد شد. اکنون نیز شنیده‌ام که ایران خودرو مجدداً درخواست افزایش ۵۰ درصدی قیمت خودرو را مطرح کرده است. این یعنی خودرویی مانند رانا پلاس که یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان قیمت دارد، با چنین افزایشی به قیمت ۲.۵ میلیارد تومان می‌رسد؛ خودرویی که خودروساز از آن به‌عنوان خودروی اقتصادی نام می‌برد، در حالی که مردم راهی جز خرید آن ندارند.

نبض تجارت

پایان انتظار برای اتصال ریلی ایران به روسیه

ایران با برخورداری از موقعیت جغرافیایی ویژه، ظرفیت تبدیل شدن به یکی از مسیرهای اصلی ترانزیت کالا میان شمال و جنوب و شرق و غرب را دارد. در این میان، راه‌آهن رشت-آستارا به‌عنوان حلقه مفقوده کریدور شمال-جنوب، جایگاه ویژه‌ای دارد؛ پروژه‌ای که پس از سال‌ها انتظار، اکنون با پیشرفت در مراحل مقدماتی و رفع موانع، به اجرای عملیات ساخت نزدیک‌تر شده است. کریدور شمال-جنوب یکی از مسیرهای مهم ارتباطی برای انتقال کالا میان روسیه، کشورهای شمال اروپا، آسیای مرکزی، ایران و بازارهای جنوبی از جمله هند است. این مسیر امکان انتقال کالاهای کشورهای شمالی به خلیج فارس، دریای عمان و بازارهای هند را فراهم می‌کند و می‌تواند کالاهای جنوب را به بازارهای اوراسیا برساند. با این حال، نبود اتصال ریلی میان رشت و آستارا تاکنون یکی از موانع اصلی بهره‌برداری کامل از ظرفیت این کریدور بود.

ایران و روسیه در اردیبهشت ۱۴۰۲ و در دولت سیزدهم توافق‌نامه ساخت راه‌آهن رشت-آستارا را امضا کردند. براساس این توافق، روسیه تأمین منابع مالی مورد نیاز پروژه را برعهده گرفت. با این حال، پیچیدگی‌های فنی و ضرورت تملک اراضی مورد نیاز، روند اجرای طرح را با چالش‌هایی مواجه کرد. آزادسازی مسیر یکی از مهم‌ترین اقدامات مقدماتی برای آغاز عملیات اجرایی بود. اکنون این روند با تحویل کامل مسیر به طرف روسی به مرحله ساخت نزدیک شده است. چهارشنبه هفته گذشته (۱۳ آبان ۱۴۰۵)، قرارداد تحویل ۳۷ کیلومتر باقی‌مانده از مسیر راه‌آهن رشت-آستارا به شرکت روسی «کاسپین سرویسز» امضا شد. پیش از این نیز ۱۲۵ کیلومتر از مسیر در چارچوب توافقات قبلی تحویل شده بود. به این ترتیب، مجموع مسیر تحویلی به این شرکت به ۱۶۲ کیلومتر، معادل تمام طول خط آهن رشت-آستارا، رسید. در کنار این اقدام، قرارداد مطالعات ژئوتکنیک نیز ۱۳ آبان امضا شد. این مطالعات با هدف بررسی ویژگی‌های زمین‌شناسی، وضعیت خاک و شرایط زیرساختی مسیر انجام می‌شود.

تصویب توافقنامه و تامین مالی روسیه

تحول مهم دیگر در مسیر اجرای پروژه، تصویب توافقنامه مشارکت روسیه در ساخت این خط آهن در شورای عالی امنیت ملی است. بازوند دیروز با اعلام این خبر گفت: توافقنامه هفته گذشته در این شورا به تصویب رسیده است. به گفته وی، طرف روس پیش‌تر خواستار تصویب این توافقنامه در ایران شده بود و انجام این مرحله، زمینه پیشبرد سریع‌تر اقدامات اجرایی را فراهم می‌کند. از نظر تأمین مالی نیز، رقم وام روسیه برای اجرای پروژه ۱.۳ میلیارد دلار اعلام شده است. با احتساب منابع مربوط به تأمین مالی ناوگان، مجموع منابع پیش‌بینی شده به حدود ۱.۶ میلیارد دلار می‌رسد. بازوند پیش‌تر گفته بود در صورت تأمین منابع مالی، می‌توان امیدوار بود راه‌آهن رشت-آستارا طی سه تا چهار سال به پایان برسد. براساس اعلام طرف روس نیز، پس از تحویل زمین، اجرای کامل پروژه حداقل سه سال زمان خواهد برد.

اهمیت راه‌آهن رشت-آستارا تنها به توسعه روابط تجاری تهران و مسکو محدود نمی‌شود. این پروژه می‌تواند ارتباطات حمل‌ونقلی ایران با کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز و حتی چین را تقویت کند و در توسعه هم‌زمان کریدورهای شمال-جنوب و شرق-غرب نقش داشته باشد. برای نمونه، در هشتمین نشست تجاری حمل‌ونقل و لجستیک راه ابریشم که ۲۳ و ۲۴ مهرماه در آستانه قزاقستان برگزار شد، پیشنهاد انتقال غلات قزاقستان از طریق شبکه ریلی ایران به عراق و کشورهای حاشیه خلیج فارس مطرح شد که پیشنهاد نشان می‌دهد که توسعه زیرساخت‌های ریلی و هماهنگی میان کشورهای منطقه می‌تواند مسیرهای تازه‌ای برای تجارت و ترانزیت ایجاد کند. دیمیتری مدودف، معاون شورای امنیت روسیه نیز با اشاره به همکاری دو کشور در پروژه‌های کریدور شمال-جنوب، راه‌آهن رشت-آستارا را از طرح‌های مهم حمل‌ونقلی ایران و روسیه دانسته و تأکید کرد که تکمیل آن می‌تواند ظرفیت‌های اقتصادی منطقه و اوراسیا را متحول کند.

علی عبدی، کارشناس مسائل منطقه و بین‌الملل در گفت‌وگو با "نوبنیاد" مطرح کرد

بازدارندگی وجودی یعنی برخورداری از سلاح هسته‌ای

در پی تحولات اخیر سیاسی در ایالات متحده آمریکا و تغییر موازنه قدرت در کنگره، پرسش‌هایی درباره آینده سیاست خارجی دولت دونالد ترامپ، میزان توانایی دموکرات‌ها در مهار سیاست‌های وی و احتمال تشدید فشارهای سیاسی بر کاخ سفید مطرح شده است. هم‌زمان، تحولات نظامی و امنیتی منطقه و تجربه جنگ‌های اخیر علیه ایران، بحث درباره کارآمدی بازدارندگی متعارف، ضرورت بازنگری در سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی و پیامدهای منطقه‌ای آن را بار دیگر در کانون توجه قرار داده است.



احسان میرباقری
روزنامه‌نگار

در همین راستا، روزنامه نوبنیاد در گفت‌وگویی با علی عبدی، کارشناس مسائل منطقه و بین‌الملل، به بررسی اختیارات کنگره در محدودسازی سیاست‌های ترامپ، احتمال استیضاح مقامات دولت آمریکا، آینده بازدارندگی ایران، ضرورت برخورداری از بازدارندگی هسته‌ای و تأثیر احتمالی تغییر سیاست هسته‌ای تهران بر موازنه قدرت و امنیت منطقه غرب آسیا پرداخته است که مشروح این گفت‌وگو در ادامه می‌آید:

با توجه به انتقال کنترل هر دو مجلس کنگره به دموکرات‌ها و پیامدهای اقتصادی جنگ ایران، آیا ترامپ همچنان امکان پیشبرد سیاست خارجی پرهزینه و مداخله‌گرایانه را خواهد داشت؟ آیا دموکرات‌ها می‌توانند از اختیارات کنگره برای آغاز تحقیقات درباره تصمیمات نظامی دولت ترامپ استفاده کنند؟

ساختار حکمرانی در ایالات متحده آمریکا به‌صورت فدرال و فدراسیونی است و ساختار سیاسی قدرت نیز بر مبنای نظام ریاستی شکل گرفته است به این معنا که اساس حاکمیت بر قوه مجریه و دولت استوار است، اما با توجه به اختیاراتی که قانون اساسی آمریکا به کنگره، شامل هر دو مجلس نمایندگان و سنا اعطا کرده است، این نهاد از ابزارهای قابل توجهی برای نظارت و اعمال فشار بر رئیس جمهور برخوردار است.

مجلس سنا می‌تواند با استناد به موضوعاتی نظیر افزایش هزینه‌های زندگی، فشارهای تورمی و پیامدهای اقتصادی جنگ ایران، محدودیت‌هایی را برای دولت ترامپ ایجاد کند. به اعتقاد من، شکست ترامپ و حزب جمهوری‌خواه در انتخابات، بیش از هر عامل دیگری، به همین مسائل اقتصادی و معیشتی بازمی‌گردد.

بنابراین، می‌توان این‌گونه ارزیابی کرد که مجلس سنا از قابلیت کنترل سیاست خارجی ترامپ، افزایش هزینه‌های اجرای آن و ایجاد موانع قانونی و بودجه‌ای در مسیر تحقق سیاست‌های خارجی وی برخوردار است. با این حال، این مسئله لزوماً به معنای مهار کامل و صددرصدی ترامپ نخواهد بود.

در موضوع استیضاح نیز باید به این نکته توجه داشت که استیضاح رئیس جمهور مستلزم برخورداری از آرای قابل توجهی در مجلس سناست. اگر اشتباه نکنم، از مجموع ۱۰۰ عضو مجلس سنا، چیزی نزدیک به ۸۰ عضو باید از این اقدام حمایت کنند.

دموکرات‌ها در شرایط کنونی، توانسته‌اند حدود ۵۴ یا ۵۵ کرسی را به دست آورند. بنابراین، اگرچه اکثریت نسبی مجلس سنا را در اختیار گرفته‌اند، اما از اکثریت قاطع لازم برخوردار نیستند. با این حال، بعید به نظر می‌رسد که بتوانند حمایت تعداد کافی از جمهوری‌خواهان را برای پیگیری استیضاح شخص ترامپ به دست آورند. در مقابل، این احتمال وجود دارد که در چارچوب توافقی میان دموکرات‌ها و دولت ترامپ، با هدف کاهش فشارهای سیاسی و اقتصادی و همچنین کاستن از هزینه‌های تحمیل‌شده به دولت، شخص دیگری قربانی این شرایط شود. برای نمونه، ممکن است فردی مانند هگست، وزیر جنگ آمریکا، در معرض استیضاح قرار گیرد یا حتی زمینه برکناری وی فراهم شود. چه‌بسا شخص ترامپ نیز با چنین اقدامی مخالفتی نداشته باشد. زیرا او به فردی نیاز دارد که بتواند ناکامی‌ها و شکست‌های دولت خود را به وی نسبت دهد و از او به‌عنوان یک قربانی یا بلاگردان سیاسی استفاده کند.

کنگره تا چه اندازه می‌تواند با استفاده از اختیارات بودجه‌ای و نظارتی، ادامه عملیات نظامی آمریکا علیه ایران را محدود کند؟

در شرایط کنونی، تحمیل جنگ جدید به ایران، براساس قوانین ایالات متحده، در صورتی که قرار باشد مرحله تازه‌ای از درگیری آغاز شود و از بازه زمانی ۶۰روزه عبور کند، عملاً نیازمند تأیید کنگره و به‌طور مشخص مجلس سنا خواهد بود. در چنین وضعیتی، دموکرات‌ها می‌توانند از اهرم‌های قانونی و نظارتی خود استفاده کنند. همچنین، موضوع اعمال فشار بر بودجه وزارت امور خارجه، پنتاگون، سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) و سایر نهادهای مرتبط نیز مطرح است. دموکرات‌ها می‌توانند با استناد به افزایش بیش‌ازحد بودجه نظامی و امنیتی ایالات متحده، خواستار کاهش این هزینه‌ها و اختصاص منابع مالی به مصارف عمومی، از جمله خدمات بیمه‌ای، هزینه‌های بیمه، بازنشستگی و سایر حوزه‌های رفاهی شوند.

این موضوعات در شرایط کنونی، در فضای افکار عمومی آمریکا نیز از ظرفیت بالایی برای جلب حمایت برخوردارند و می‌توانند موجب افزایش مقبولیت سیاسی دموکرات‌ها شوند. به همین دلیل، بعید است که دموکرات‌ها به‌آسانی از چنین ابزارهایی صرف‌نظر کنند.

با توجه به تجربه جنگ‌های مستقیم ایران با آمریکا و اسرائیل، آیا راهبرد بازدارندگی متعارف ایران همچنان پاسخ‌گوی تهدیدات امنیتی است یا شرایط جدید موجب بازنگری در مبانی این راهبرد شده است؟

در خصوص بازدارندگی متعارف، باید گفت که دو جنگ اخیر نشان داده‌اند که بازدارندگی‌های متعارف برای جمهوری اسلامی ایران کفایت نمی‌کنند.

به عبارت دیگر، اگر بازدارندگی موشکی و بازدارندگی منطقه‌ای ایران از کارآمدی لازم برخوردار بودند، دست‌کم انتظار می‌رفت که حتی اگر نتوانستند مانع تحمیل جنگ ۱۲روزه به ایران شوند، پس از تجربه آن جنگ و درس‌آموزی از پیامدهایش، دشمن دیگر به دنبال تجربه جنگ ۴۰روزه یا جنگ رمضان نباشد.

اما تکرار جنگ رمضان و حمله مجدد به ایران نشان داد که بازدارندگی متعارف برای کشور ما کارآمدی لازم را ندارد. بر همین اساس، جمهوری اسلامی ایران به نوعی بازدارندگی مطلق نیاز دارد. شاید بتوان تعریف دیگری از بازدارندگی مطلق ارائه کرد و آن را بازدارندگی وجودی نامید. هنگامی که دشمن، موجودیت شما را تهدید می‌کند و شخص ترامپ از نابودی تمدن و تهدید موجودیت کشور سخن می‌گوید، طبیعتاً شما نیز به بازدارندگی وجودی نیاز خواهید داشت و ترجمان عملی بازدارندگی وجودی، برخورداری از سلاح هسته‌ای و بمب اتم است. پس از حمله به ایران، تمامی معادلات و موازنه‌های قدرت دستخوش تغییر شده‌اند و کشور در وضعیت یک جنگ وجودی قرار گرفته است.

در چنین وضعیتی، بازدارندگی‌های معمول دیگر نمی‌توانند نقش بازدارنده مورد انتظار را ایفا کنند. مهم‌ترین ابزار ایجاد توازن و بازدارندگی در شرایط تهدید وجودی، برخورداری از بازدارندگی مطلق است. زمانی که بازدارندگی مطلق فراهم شود، بازدارندگی موشکی، بازدارندگی منطقه‌ای و سایر اشکال بازدارندگی می‌توانند به‌عنوان مکمل آن عمل کنند.

البته این امکان وجود دارد که بازدارندگی‌های متعارف در سطح عملیاتی موفق عمل کنند. همان‌گونه که توانمندی‌های موشکی و منطقه‌ای ایران در دو جنگ اخیر، از نظر عملیاتی، عملکرد موفقی داشتند، اما نتوانستند بازدارندگی مورد انتظار را ایجاد کنند. زیرا اگر این توانمندی‌ها موفق به ایجاد بازدارندگی شده بودند، اساساً دشمن نباید به ایران حمله می‌کرد.

شخص ترامپ نیز بارها به این مسئله اذعان کرده است که اگر ایران از سلاح هسته‌ای برخوردار بود، نوع مواجهه آمریکا با ایران و حتی ادبیات شخص وی در گفت‌وگو با جمهوری اسلامی متفاوت می‌بود. وی در همین زمینه به کره شمالی اشاره کرده و گفته است که اقداماتی را که آمریکا علیه ایران انجام داده است، نمی‌تواند علیه کره شمالی انجام دهد.

آیا در صورت تغییر رسمی دکترین هسته‌ای ایران، می‌توان انتظار داشت که آمریکا و اسرائیل از گزینه نظامی فاصله بگیرند یا چنین تغییری ممکن است احتمال حملات پیش‌دستانه را افزایش دهد؟

ایجاد بازدارندگی هسته‌ای لزوماً به این معنا نیست که دشمن به‌طور مطلق از به‌کارگیری ابزار نظامی علیه یک کشور خودداری کند. برای نمونه، در جنگ هند و پاکستان، هر دو کشور از قدرت هسته‌ای برخوردار بودند، اما با وجود این، یک درگیری پنج‌روزه را تجربه کردند. مسئله کلیدی در بازدارندگی مطلق یا بازدارندگی هسته‌ای این است که وقتی یک کشور از چنین توانمندی برخوردار باشد، حتی اگر جنگی محدود یا یک عملیات نظامی محدود به آن تحمیل شود، دشمن ناگزیر خواهد بود در مرحله‌ای مشخص عملیات خود را متوقف کند و از حرکت به سمت سطوح بالاتر نردبان تنش و تشدید درگیری خودداری کند. دلیل این مسئله آن است که اگر دشمن بخواهد سطح تنش را افزایش دهد، طرف مقابل نیز ناگزیر به افزایش متقابل سطح تنش خواهد بود و این روند می‌تواند در نهایت به مرحله به‌کارگیری سلاح هسته‌ای منتهی شود. بنابراین، برای جلوگیری از وقوع چنین وضعیتی، دشمن ناچار خواهد بود در نقطه‌ای مشخص، توقف درگیری را بپذیرد؛ به این معنا که یا خود اعلام آتش‌بس کند یا با آتش‌بس اعلام‌شده از سوی طرف مقابل موافقت کند و جنگ را متوقف سازد.

مسئله دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، تأثیر بازدارندگی هسته‌ای بر محاسبات دشمن درباره هدف قرار دادن رهبران و مقامات ارشد سیاسی و نظامی کشور است. از آنجاکه دشمن در مواجهه با یک قدرت هسته‌ای ناگزیر است از افزایش بیش‌ازحد سطح تنش اجتناب کند، اگر جمهوری اسلامی ایران از سلاح هسته‌ای برخوردار بود، دشمن به این آسانی جرئت نمی‌کرد رهبر انقلاب، فرماندهان نظامی و مقامات ارشد سیاسی کشور، از جمله آقای لاریجانی را به شهادت برساند. در چنین وضعیتی، دشمن ناگزیر بود پیش از هرگونه اقدام، محاسبات دقیق‌تری انجام دهد و خطر واکنش هسته‌ای ایران را در نظر بگیرد.

تغییر احتمالی سیاست هسته‌ای ایران چه تأثیری بر محاسبات امنیتی سعودی، ترکیه و دیگر قدرت‌های منطقه‌ای خواهد داشت و آیا می‌تواند زمینه‌ساز گسترش برنامه‌های هسته‌ای منطقه شود؟

تغییر سیاست هسته‌ای ایران ممکن است بر محاسبات امنیتی کشورهایی مانند عربستان سعودی، ترکیه و مصر تأثیرگذار باشد اما مسئله اساسی این است که آیا این کشورها در کوتاه‌مدت از قابلیت دستیابی به توانمندی هسته‌ای مشابه ایران برخوردار هستند یا خیر. در خصوص عربستان سعودی، روشن است که این کشور همچنان فاصله قابل توجهی با دستیابی به چنین توانمندی دارد. درباره ترکیه، اطلاعات دقیق و کافی در اختیار ندارم، اما می‌دانم که عربستان سعودی و مصر همچنان سال‌های زیادی با دستیابی به این قابلیت فاصله دارند.

با این حال، بر اساس نظریه کنت والتز که از دهه‌ها پیش مطرح شده است، وضعیت پیچیده و بغرنج امنیتی در منطقه غرب آسیا و وجود تنها یک قدرت هسته‌ای، یعنی رژیم صهیونیستی، موجب شده است که برای ایجاد توازن هسته‌ای، ضرورت برخورداری دست‌کم یک کشور دیگر در منطقه از قدرت اتمی مطرح شود.

در واقع، برای برقراری توازن امنیتی و توازن هسته‌ای با رژیم صهیونیستی، لازم است کشور دیگری در منطقه غرب آسیا نیز از توانمندی هسته‌ای برخوردار باشد.

بر همین اساس، هسته‌ای شدن ایران و اعلام رسمی برخورداری این کشور از توانمندی هسته‌ای، قطعاً می‌تواند به سود توازن امنیتی، حفظ ثبات و تأمین امنیت منطقه غرب آسیا باشد.

چنین تحولی عملاً می‌تواند ایران را به یک نیروی توازن‌بخش، مهارکننده و کنترل‌کننده در برابر تهدید هسته‌ای رژیم صهیونیستی تبدیل کند.

به عبارت دیگر، چتر هسته‌ای ایران می‌تواند برای کشورهای منطقه، از جمله ترکیه، عربستان سعودی و سایر دولت‌های غرب آسیا، در برابر تهدیدات هسته‌ای و سیاست‌های توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی، نوعی پوشش امنیتی و حفاظ بازدارنده ایجاد کند.

از این منظر، برخورداری ایران از توانمندی هسته‌ای می‌تواند برای این کشورها نیز سودمند باشد و نه‌تنها لزوماً تهدیدی برای امنیت آن‌ها محسوب نشود، بلکه به‌عنوان عاملی توازن‌بخش در جهت تأمین امنیت منطقه‌ای و ارتقای امنیت این کشورها ایفای نقش کند.

باید متناسب با جنگ وجودی تصمیم بگیریم

هنگامی که دشمن، موجودیت شما را تهدید می‌کند و شخص ترامپ از نابودی تمدن و تهدید موجودیت کشور سخن می‌گوید، طبیعتاً شما نیز به بازدارندگی وجودی نیاز خواهید داشت. ترجمان عملی بازدارندگی وجودی، برخورداری از سلاح هسته‌ای و بمب اتم است. پس از حمله به ایران، تمامی معادلات و موازنه‌های قدرت دستخوش تغییر شده‌اند و کشور در وضعیت یک جنگ وجودی قرار گرفته است.

افکارعمومی خواستاراواکنش متقابل به حملات شبانه آمریکا به سواحل است

پاسخ بازدارنده معطل مصلحت‌سنجی سیاسی

در یک هفته گذشته، آمریکا دامنه حملات خود به نوار ساحلی ایران در تنگه هرمز، مواضع نظامی و پدافندی جزیره قشم و برخی نقاط دیگر در جنوب کشور را افزایش داده است؛ حملاتی که واشنگتن با برچسب مضحک «دفاعی و محدود» توجیه می‌کند. همزمان، استقرار گسترده سوخت‌رسان‌ها و حرکت ناوهای هواپیمابر به سمت دریای عرب، از آماده‌سازی ظرفیت‌های عملیاتی جدید علیه ایران حکایت دارد.



محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

طی یک هفته گذشته، حملات آمریکا به نوار ساحلی ایران در محدوده تنگه هرمز، مواضع نظامی و پدافندی جزیره قشم و دیگر نقاط جنوبی کشور شدت گرفته است؛ حملاتی که ظاهراً قرار است با استفاده از واژه‌هایی نظیر «محدود»، «هدفمند» و «دفاعی» عادی‌سازی شوند. شبکه سی‌ان‌ان به نقل از سه مقام آمریکایی گزارش داد که واشنگتن روز دوشنبه هفته گذشته حملاتی محدود به جزیره قشم انجام داده است. به ادعای این مقامات، عملیات مذکور اقدامی دفاعی و با هدف حفاظت از دارایی‌های آمریکا در منطقه بوده و در پاسخ به شلیک ایران به یک هواپیمای آمریکایی صورت گرفته است. وال‌استریت ژورنال که نخستین‌بار این عملیات را افشا کرد، گزارش داد حملات دیگری از این دست نیز پیش‌تر به‌صورت مخفیانه انجام شده است. یکی از مقامات آمریکایی مدعی شد: «این یک اقدام دفاعی برای استفاده ایران از موشک‌های زمین به هوا علیه دارایی‌های آمریکا بود.» در این گزارش آمده است: «یک فرد آشنا با موضوع اعلام کرده است که دولت آمریکا عمداً این حمله را مخفی نگه داشته تا از بزرگنمایی این اقدام دفاعی جلوگیری کند!»

این ادبیات بیش از هر چیز بیانگر وقاحت واشنگتن است؛ کشوری که شلیک موشک برای دفاع از حریم هوایی ایران را بهانه حمله به مواضع پدافندی قرار می‌دهد و سپس با عنوان دفاع از دارایی‌های خود، تجاوز نظامی را توجیه می‌کند. خطرناک‌تر آنکه سکوت در برابر چنین اقداماتی عملاً می‌تواند به دشمن این پیام را منتقل کند که برای تکرار حملات خود با هزینه جدی مواجه نخواهد شد.

قشم و جاسک زیر آتش حملات روزانه

در طول هفته گذشته تقریباً هر روز گزارش‌هایی از حملات آمریکا به سمت قشم، جاسک یا دیگر مواضع ساحلی ایران منتشر شده است. خبرگزاری ایرنا از شنیده‌شدن صدای دو انفجار در جزیره قشم خبر داد و گزارش کرد اصابت در داخل جزیره و از سمت شرق آن رخ داده است. منابع محلی و استانی نیز در آن مقطع جزئیات بیشتری درباره این واقعه ارائه نکردند. همزمان، اخباری درباره شنیده شدن صدای انفجار و انتشار تصاویری از وقوع آتش‌سوزی در جاسک منتشر شد. تکرار این حوادث و استمرار حملات، این پرسش را جدی‌تر کرده است که آیا واشنگتن در حال اجرای راهبرد موسوم به «چمن‌زنی» برای فرسایش تدریجی توان دفاعی ایران و سنجش آستانه تحمل کشور است؟

آماده‌باش برای دور جدید درگیری

در کنار حملات میدانی، تحرکات نظامی آمریکا نیز ابعاد قابل توجهی پیدا کرده است. در حال حاضر تعداد سوخت‌رسان‌های نیروی هوایی آمریکا که در محدوده غرب آسیا تا اروپا مستقر شده‌اند، به دست‌کم ۲۰۸ فروند می‌رسد. از این تعداد، ۱۰۶ فروند در محدوده پایگاه دیه‌گو گارسیا، پایگاه‌های هوایی الظفره، العدید، شاهزاده سلطان، اوودا و فرودگاه‌های بین‌المللی بن‌گوریون و رامون ایلات مستقر هستند. همچنین شمار سوخت‌رسان‌های مستقر در اروپا که عمدتاً برای جایگزینی سوخت‌رسان‌های پایگاه‌های خاورمیانه و پشتیبانی از جنگنده‌های در حال انتقال به منطقه یا بازگشت از آن استفاده می‌شوند، به حدود ۹۱ فروند می‌رسد.

از منظر عملیاتی، چنین ظرفیتی برای آمریکا یک مزیت تاکتیکی مهم محسوب می‌شود؛ چراکه در صورت تصمیم به آغاز دور جدید حملات، ناوگان تهاجمی می‌تواند با پشتیبانی سوخت‌رسان‌ها در مدت کوتاهی وارد عملیات شود. ضمن اینکه ناوگان مستقر در الظفره، العدید و شاهزاده سلطان مدت‌هاست در پشتیبانی از جنگنده‌های اسکورت‌کننده در تنگه هرمز ایفای نقش می‌کند تا در کنار سایر هواگردهای باسرنشین و بدون‌سرنشین، ترددها در کریدور جنوبی را میسر سازد. در همین چارچوب، ناو هواپیمابر روزولت نیز پایگاه چانگی سنگاپور را ترک کرده و در مسیر عزیمت به دریای عرب قرار گرفته است تا به دو ناوگروه هواپیمابر جورج واشنگتن و بوش ملحق شود. با ورود این ناوگروه، تعداد ناوهای هواپیمابر مستقر در دریای عرب در آرایش نظامی علیه ایران به سه فروند خواهد رسید.

دستور صریح رهبری و احتیاط سؤال‌برانگیز مسئولان

تمامی این تحولات در شرایطی رخ می‌دهد که رهبر انقلاب در دیدار با رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، فرمانده کل ارتش و فرمانده کل سپاه، دستورالعملی صریح درباره نحوه مواجهه با تهدیدات دشمن صادر کردند. حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، «آمادگی رزمی هوشمندانه برای مقابله پرقدرت با دشمنان» را از الزامات «بازدارندگی حداکثری» دانستند و تأکید کردند «هر سطح و نوعی از تهدید باید با پاسخ فوری و اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی روبه‌رو شود.» ایشان همچنین تصریح کردند که اگر دشمنان مجدداً حملات نظامی یا تروریستی را آغاز کنند، این نیروهای مسلح و ملت ایران هستند که زمان و شرایط پایان آن را تعیین خواهند کرد.

با وجود چنین مواضع روشنی، آنچه در میدان مشاهده می‌شود، فاصله‌ای معنادار میان سطح تهدیدات و پاسخ‌های بازدارنده است. حملات مستمر به قشم و جاسک و تکرار تعرض به مواضع ساحلی، درحالی ادامه دارد که پاسخ‌ها به راهبرد چمن‌زنی و اقداماتی که آشکارا آستانه تحمل ایران را آزمایش می‌کنند، هنوز با سطحی از اثرگذاری و بازدارندگی مورد انتظار همراه نشده است.

نگران‌کننده‌تر آنکه بار دیگر انگاره احتیاط و ترمزگذاری در برابر نیروهای مسلح از سوی برخی سیاسیون و مسئولان ارشد در حال تقویت است؛ احتیاطی که پس از مواضع صریح رهبر انقلاب در دیدار با فرماندهان ارشد نظامی و پیام تاریخی ایشان در ۱۳آبان مبنی بر دوری از هرگونه گرایش تسلیم‌آمیز، بیش از گذشته محل سؤال است.

واقعیت آن است که دشمن از حملات محدود و پیاپی، صرفاً به دنبال تخریب چند موضع نظامی نیست؛ بلکه می‌خواهد واکنش ایران را اندازه‌گیری کند، خطوط قرمز را جابه‌جا سازد و به‌تدریج سطح تعرضات خود را افزایش دهد. در چنین شرایطی، پاسخ ندادن متناسب می‌تواند دشمن را به تکرار و تشدید اقداماتش ترغیب کند. بازدارندگی با بیانیه و هشدار محقق نمی‌شود؛ دشمن باید در میدان به این جمع‌بندی برسد که هر تعرضی هزینه‌ای فوری، مؤثر و غیرقابل چشم‌پوشی خواهد داشت.

فرمان رهبری؛ گروگان احتیاط سیاسیون

واشنگتن در حالی تقریباً هر روز مواضع ساحلی ایران را هدف قرار می‌دهد که آرایش نظامی آمریکا در غرب آسیا و اروپا با استقرار بیش از ۲۰۰ سوخت‌رسان و حرکت ناو هواپیمابر روزولت به سمت دریای عرب تقویت شده است. این تحرکات در کنار حملات مستمر به قشم و جاسک، آزمونی برای سنجش آستانه تحمل ایران است؛ آن هم در شرایطی که رهبر انقلاب بر پاسخ فوری، اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی تأکید کرده‌اند.

یادداشت

انتخابات آمریکا؛ فراتر از کنگره

فرزاد مخلص‌الائمه
استاندار استان مرکزی در دولت شهید رئیسی

در سیاست آمریکا، دو حزب اصلی با دو نماد حیوانی شناخته می‌شوند: فیل برای حزب جمهوری‌خواه و الاغ برای حزب دموکرات. این نمادها ریشه در تاریخ سیاسی قرن نوزدهم آمریکا دارند. رقابت این دو حزب فقط به ریاست جمهوری و کنگره محدود نیست و در سطح ایالت‌ها و شهرها هم برای مناصب سیاسی، اجرایی و قضایی ادامه دارد. شهروندان آمریکایی در سه سطح رأی می‌دهند.

۱. سطح فدرال:

- رئیس جمهور؛ انتخاب او مستقیم نیست. مردم به اعضای «مجمع گزینندگان» (الکترال کالج) رأی می‌دهند و آنان رئیس جمهور را برمی‌گزینند.
- تمام ۴۳۵ عضو مجلس نمایندگان، با دوره‌ی دوساله.
- اعضای سنای آمریکا؛ هر ایالت دو سناتور دارد که با رأی مستقیم مردم همان ایالت انتخاب می‌شوند. دوره‌ی سناتورها شش‌ساله است و هر دو سال حدود یک‌سوم کرسی‌ها تجدید می‌شود.

۲. سطح ایالتی

هر ایالت قانون اساسی و ساختار حکومتی خود را دارد. مردم علاوه بر نمایندگان مجلس قانون‌گذاری ایالت، در بسیاری از ایالت‌ها این مقامات را هم مستقیم انتخاب می‌کنند:

- فرماندار ایالت و در برخی ایالت‌ها معاون فرماندار، دادستان کل ایالت، وزیر امور خارجه‌ی ایالت، که در بسیاری از ایالت‌ها بر انتخابات و ثبت شرکت‌ها نظارت می‌کند، خزانه‌دار و مقاماتی مانند کمیسر کشاورزی، بیمه و اراضی عمومی، در شمار کمی از ایالت‌ها.

در بسیاری از ایالت‌ها قضات دادگاه‌های عالی و دیگر دادگاه‌های ایالتی هم با رأی مردم انتخاب می‌شوند یا برای ادامه‌ی کار در معرض رأی تأیید مردم قرار می‌گیرند. شیوه‌ی انتخاب قضات در همه‌ی ایالت‌ها یکسان نیست و برخی ایالت‌ها از انتصاب یا روش‌های ترکیبی استفاده می‌کنند.

۳. سطح محلی

- شهردار و اعضای شورای شهر، کلانتر شهرستان مسئول اصلی اجرای قانون و امنیت شهرستان، اعضای هیئت مدیره‌ی مدارس منطقه‌ای که درباره‌ی بودجه و سیاست‌های مدارس عمومی تصمیم می‌گیرند.

در برخی مناطق، دادستان‌های محلی و قضات هم انتخابی‌اند. این موارد به قوانین هر ایالت بستگی دارد.

تگزاس؛ نمونه‌ای از گستردگی انتخابات

مردم تگزاس علاوه بر فرماندار ایالت و معاون فرماندار، دادستان کل، مسئول مالی ایالت (کنترل‌کننده‌ی حساب‌های عمومی)، کمیسر اراضی عمومی و کمیسر کشاورزی را انتخاب می‌کنند. سه عضو «کمیسیون راه‌آهن» هم با رأی مردم برگزیده می‌شوند؛ این کمیسیون برخلاف نامش، امروز عمدتاً بر صنعت نفت و گاز نظارت دارد. قضات دیوان عالی (۹ عضو، بالاترین مرجع دعاوی مدنی) و دیوان عالی کیفری (۹ عضو، بالاترین مرجع پرونده‌های کیفری) هم با رأی مردم و برای دوره‌های شش‌ساله انتخاب می‌شوند. سنای ایالتی ۳۱ عضو چهارساله دارد.

در انتخابات ۳ نوامبر ۲۰۲۶ در تگزاس که دهه‌ها پایگاه مهم جمهوری‌خواهان بود، دموکرات‌ها علاوه بر کرسی سنای آمریکا، در رقابت فرمانداری و دیگر مناصب اصلی اجرایی ایالت هم پیش افتادند و افتضاحی برای جمهوری‌خواهان رقم خورد. در دادگاه‌های عالی نیز چهار کرسی دیوان عالی و سه کرسی دیوان عالی کیفری را گرفتند؛ هرچند جمهوری‌خواهان با نسبت ۵ به ۴ و ۶ به ۳ در این دو دادگاه همچنان اکثریت دارند.

در نظام سیاسی آمریکا، «سنا» دو معنا دارد: سنای آمریکا مجلس اعلای کنگره‌ی فدرال است و ۱۰۰ عضو دارد، اما سنای ایالتی مجلس اعلای قانون‌گذاری خود ایالت‌هاست و اعضا و دوره‌اش در هر ایالت فرق می‌کند.

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیرمسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۸۸۴۹۹۳۷۲-۰۲۱
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵
■ آدرس: خ سپهبد قرنی خ شاداب پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

nobonyadonline.ir

یادداشت

ابتذال معنا به سبک و سیاق شاکردوست و رفقا

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

شنبه شب بود که مراسم بزرگداشت فریدون جیرانی در موزه سینما برگزار شد. در حاشیه این رویداد، شایعه حذف پیام تصویری الناز شاکردوست به سوژه‌ای داغ در فضای مجازی تبدیل گشت و عده‌ای با بلند کردن بیرق مظلومیت هنرمند، ادعای همسویی با افعال قهرمانانه را به اذهان دوپامین‌زده انتقال دادند. این چرخه تکراری، هربار با تراکم بالای محتوایی، پیام‌های مشخصی را به مخاطب و ساختار فرهنگی نظام ارسال می‌کند که یکی از آن‌ها ایجاد حاشیه امن برای چهره‌های مشهور یا همان سلبریتی‌های حراف و ایرادگیر است. متأسفانه این فشار روانی بر دستگاه ادراکی نهادهای تصمیم‌ساز نیز سایه افکنده و باعث شده تا مدیران فرهنگی، برای اجتناب از هجمه‌های سازمان‌یافته هواداران سرسخت شُهره‌ها سکوت را بر واکنش نشان دادن ترجیح دهند و دم نزنند؛ درواقع، این رویکرد باعث شده تا تخلفات جدی‌تر نادیده گرفته شده و بی‌عدالتی بازتولید شود.

در سوی دیگر ماجرا، بازیگران و چهره‌هایی که صرفاً به دلیل ابراز وطن‌دوستی یا دفاع از ارزش‌های دینی مورد حمله قرار می‌گیرند، هیچ حاشیه امنی ندارند. تفاوت رفتار با این دو گروه، عمق شکاف میان شعارهای رسمی و واقعیت‌های اجرایی را آشکار می‌کند. شاکردوست پیش‌تر به دلیل اظهارات جنجالی‌اش باید پاسخگو می‌شد، اما اکنون به نمادی از خاموش کردن صدا و پژواک آزادگی تبدیل شده و پارادوکس، اعتبار گفتمان آزادی بیان در داخل کشور را زیر سؤال می‌برد.

راهکار اصلی، بازتعریف رابطه نهادهای فرهنگی با سلبریتی‌هاست، زیرا نمی‌توان همزمان از شهرت هنرمندان بهره برد و از تأثیرگذاری اجتماعی آن‌ها غافل ماند. در این موقعیت، هوشمندسازی مدیریت چهره‌های مشهور ضروری‌ست و یکی از روش‌های کارآمد، تدوین قراردادهای کاری شفاف و الزام‌آور است؛ به‌طوریکه، قراردادهای کاری، وظیفه هنرمند را صرفاً ایفای نقش سینمایی تعریف کنند و مانع از تبدیل شدن آن‌ها به ملعبه دست بازیگران اصلی و فرعی عرصه سیاست شوند. اگر هنرمندی از مرزهای حرفه‌ای عبور کند، نهاد تولیدکننده موظف است طبق ضوابط قانونی عمل نماید. این اقدام نباید به معنای سانسور باشد، بلکه نوعی استانداردسازی رفتاری است.

جامعه نیاز دارد بداند چرا برخی تخلفات مسکوت می‌مانند و برخی دیگر به فاجعه‌ای ملی تبدیل می‌شوند. شفافیت در رویه‌ها، از ایجاد ابهام و سوءاستفاده‌های آتی جلوگیری می‌کند. همچنین، حمایت از چهره‌های وفادار به نظام که تحت فشار رسانه‌ای هستند، یک تکلیف اخلاقی و حرفه‌ای است و نباید اجازه داد انفعال مدیران، به جرأت‌ورزی غیرحرفه‌ای برخی سلبریتی‌ها دامن بزند. درنهایت باید گفت، زمان آن رسیده است که سیاست‌گذاری فرهنگی از حالت واکنشی خارج شود و به مرحله پیشگیرانه ورود کند. در چنین موقعیتی پیشگیری باید رویه هوشمندانه‌ای داشته باشد و هزینه را برای مدیریت فرهنگی کشور پایین بیاورد.

کریستوفر نولان چگونه نقش سردار فرهنگی تمدن غرب را ایفا می‌کند؟

ادیسه؛ بازخوانی اسطوره قدرت در کارخانه رؤیاسازی هالیوود

در دسترس قرارگرفتن فیلم «ادیسه» ساخته کریستوفر نولان در ایران، فرصتی برای بررسی یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های سینمایی سال و تأمل در نسبت هالیوود با میراث اسطوره‌ای و سیاسی غرب است. نولان در این اثر به سراغ منظومه هومر رفته است، متنی که از بنیادی‌ترین اسناد تخیل تمدن یونانی و از سرچشمه‌های روایت‌پردازی غربی به شمار می‌رود. با این انتخاب، کارگردان آمریکایی-بریتانیایی بار دیگر نشان می‌دهد که هالیوود چگونه از ذخایر تاریخی و اسطوره‌ای تمدن غرب برای تولید محصولاتی با مخاطب جهانی استفاده می‌کند. «ادیسه» تنها بازسازی سفر پرمخاطره اودیسئوس نیست. این فیلم درباره جنگ، تصرف، فرمانروایی، مشروعیت قدرت، حافظه تاریخی و نسبت قهرمان با سرزمین و مردمان است. در چنین روایتی، سینما از جایگاه سرگرمی فراتر می‌رود و به عرصه بازتولید و بازخوانی الگوهای فرهنگی قدرت تبدیل می‌شود.



وحید ناظری
روزنامه‌نگار

برای فهم اهمیت انتخاب نولان باید به جایگاه «ادیسه» در تاریخ اندیشه غرب توجه کرد. این اثر روایتی از جهان پهلوانی، مناسبات قدرت، نظم اجتماعی و نسبت انسان با سرنوشت و خدایان است. اودیسئوس پس از مشارکت در جنگ تروا، ده سال در مسیر بازگشت به ایتاکا سرگردان می‌شود. در خانه نیز پنه‌لوپه، همسرش، زیر فشار خواستگاران اشراف‌زاده قرار دارد و تلماخوس، پسرش، در انتظار بازگشت پدر است. نولان این دو خط روایی را در کنار سفر دریایی قهرمان قرار می‌دهد و داستان را به روایتی درباره بازسازی اقتدار ازدست‌رفته تبدیل می‌کند.

اما اهمیت سیاسی فیلم از همان نقطه آغاز می‌شود: جنگ تروا. اسب چوبی، فریب نظامی یونانیان و سقوط شهر، تصویری از پیوند هوش راهبردی، قدرت نظامی و تصرف سرزمین است. نولان برای نمایش این بخش، حتی از روایت منظومه هومر فراتر می‌رود و سراغ روایت‌های دیگر، به‌ویژه «انه‌اید» ویرژیل، می‌رود. شخصیت سینون نیز در همین چارچوب وارد داستان می‌شود. به این ترتیب، فیلم مجموعه‌ای از روایت‌های بنیادین جهان باستان را در یک منظومه سینمایی واحد گرد می‌آورد.

در اینجا می‌توان به کارکرد هژمونیک چنین تولیدی توجه کرد. هالیوود در مقام یکی از مهم‌ترین نهادهای قدرت نرم آمریکا، صرفاً داستان‌های سرگرم‌کننده تولید نمی‌کند. این صنعت با سرمایه‌گذاری عظیم، ستاره‌سازی، فناوری تصویر و توزیع جهانی، امکان بازتعریف میراث تمدنی را در مقیاسی بی‌سابقه در اختیار دارد. نولان نیز در جایگاه یکی از سرداران فرهنگی این منظومه، اسطوره‌ای متعلق به یونان باستان را به تجربه‌ای جهانی تبدیل می‌کند. البته این به معنای آمریکایی بودن خاستگاه داستان نیست. نکته در مالکیت روایی و توانایی هالیوود برای تبدیل میراث تمدن‌های دیگر به سرمایه فرهنگی جهان معاصر است.

بزرگی تولید نیز در خدمت همین بازآفرینی است. فیلم با بودجه‌ای در حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلیون دلار ساخته شده، ۱۷۲ دقیقه زمان دارد و نخستین فیلم بلند تاریخ است که تماماً با دوربین‌های فیلم‌برداری آی‌مکس ثبت شده است. گروه تولید در یک برنامه ۹۱ روزه به شش کشور سفر کرد. استفاده از کشتی واقعی در صحنه‌های دریایی، ساخت موجودات با ابزارهای مکانیکی و عروسک‌گردانی و طراحی گسترده صحنه‌ها، نشان‌دهنده تلاشی کم‌سابقه برای تبدیل اسطوره به تجربه‌ای ملموس است. مت دیمون، ان هتوی، تام هالند، زندیا، رابرت پتینسون و شارلیز ترون نیز ترکیبی از ستارگان سینمای معاصر را شکل می‌دهند.

پایان فیلم نیز از منظر سیاسی قابل تأمل است. نولان برخلاف هومر، اودیسئوس را پس از کشتن خواستگاران و بازپس‌گیری خانه، بر تخت فرمانروایی مستقر نمی‌کند. او از قدرت کناره می‌گیرد و همراه پنه‌لوپه راهی سفری تازه به سوی غرب می‌شود. تلماخوس جانشین اوست و قهرمان در پایان، از تکرار خطاهای تمدن و فراموشی تاریخی سخن می‌گوید. این پایان، اسطوره پیروزی را با نوعی بدبینی تاریخی همراه می‌کند.

«ادیسه» از این منظر نمونه‌ای مهم از توان هالیوود در تبدیل میراث فرهنگی به یک رویداد جهانی است. سینمای آمریکا با چنین آثاری، فقط بازار سرگرمی را در اختیار نمی‌گیرد، بلکه در بازتعریف حافظه تاریخی و الگوهای قهرمان‌پروری نیز نقش‌آفرینی می‌کند. شناخت این سازوکار، برای فهم نسبت سینما و قدرت در جهان امروز ضروری است.

یادداشت

ایران؛ بهشت سینماگران بی‌وطن!

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

صدور پروانه نمایش برای فیلم «جادوی عروسک‌ها» به کارگردانی سعید عباسی، آن هم در شرایطی که این کارگردان در جریان جنگ رمضان اظهاراتی توهین‌آمیز علیه جمهوری اسلامی و مردم مبعوث در تجمعات شبانه داشته است، بار دیگر پرده از آشفتگی و بی‌بندوباری در سیاست‌گذاری فرهنگی دولت پزشکیان برداشته است. واقعاً این چه وضعیتی است آقای وزیر فرهنگ؟ یک روز برنامه «ثریا» را تعطیل می‌کنید، صدای منتقدان دلسوز و نیروهای انقلابی را محدود می‌کنید، اما برای کسانی که مواضع ضدنظام داشته‌اند، پروانه نمایش صادر می‌کنید تا با استفاده از امکانات همین کشور فیلم بسازند و به ریش مردم مبعوث بخندند؟

روزی شهید آوینی گفته بود در جمهوری اسلامی همه آزادند به جز حزب‌اللهی‌ها؛ امروز معنای آن حرف را به وضوح می‌توان دید. نیروهایی که سال‌ها در همین کشور برای دفاع از هویت ملی و انقلابی تلاش کرده‌اند، باید برای فعالیت رسانه‌ای و فرهنگی خود هزار مانع را پشت سر بگذارند، اما برخی چهره‌هایی که در برزخ جنگ و رویارویی با دشمن، به مردم و تجمعات ملی توهین می‌کنند، ظاهراً هیچ مشکلی برای بهره‌مندی از امکانات رسمی سینما ندارند. این چه استاندارد دوگانه‌ای است؟ چرا همیشه باید نیروهای انقلابی با محدودیت مواجه شوند و جماعتی که در تقابل با ارزش‌های رسمی کشور موضع می‌گیرند، از تسهیلات و فرصت‌های فرهنگی برخوردار باشند؟ آقای پزشکیان! قرار بود وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی متولی فرهنگ این کشور باشد یا بنگاه توزیع امتیاز میان کسانی که هروقت پای منافع شخصی‌شان در میان است، جمهوری اسلامی را به رسمیت می‌شناسند و هروقت نوبت دفاع از کشور می‌رسد، زبان به توهین می‌گشایند؟ مگر سینمای ایران از جیب چه کسانی اداره می‌شود؟ مگر امکانات، سالن‌ها و زیرساخت‌های این سینما متعلق به همین مردم نیست؟ چگونه می‌توان به مواضع علنی یک کارگردان بی‌اعتنا بود و همزمان مسیر استفاده از ظرفیت‌های رسمی کشور را برای او هموار کرد؟

سازمان سینمایی باید توضیح بدهد که چرا در برابر چنین مواضعی هیچ حساسیتی نشان نداده است. این همان چیزی است که اعتماد نیروهای انقلابی به سیاست‌گذاری فرهنگی دولت را فرسوده می‌کند. آقای وزیر ارشاد! به جای آنکه مدام از وفاق و همدلی سخن بگویید، یک بار توضیح بدهید این وفاق دقیقاً قرار است با چه کسانی باشد؟ با نیروهایی که پای کشور ایستاده‌اند یا کسانی که هنگام دفاع از کشور زبان به توهین باز می‌کنند؟ نمی‌شود از یک طرف تریبون نیروهای انقلابی را محدود کرد و از طرف دیگر، امکانات سینمای جمهوری اسلامی را در اختیار کسانی گذاشت که نسبت به همین کشور چنین مواضعی داشته‌اند. این دیگر نه وفاق است و نه تدبیر؛ این یک تبعیض آشکار در مدیریت فرهنگی کشور است.

گلریزان قهرمان موسیقی پاپ به مناسبت ایام فاطمیه



محسن چاوشی، ستاره مطرح موسیقی پاپ، همزمان با ایام فاطمیه و سالروز شهادت حضرت زهرا (س)، بار دیگر در اقدامی انسان‌دوستانه به میدان آمده است تا با مشارکت مردم، زمینه آزادی مادران زندانی جرائم مالی غیرعمد را فراهم کند؛ اقدامی که نشان می‌دهد دغدغه‌های این هنرمند به دنیای موسیقی و فعالیت‌های حرفه‌ای محدود نمی‌شود. چاوشی البته در این مسیر سابقه‌ای طولانی دارد و بارها با استفاده از ظرفیت شهرت و محبوبیت خود، فعالیت‌های مدنی و خیرخواهانه‌ای را برای گره‌گشایی از مشکلات مردم به سرانجام رسانده است. او از جمله هنرمندانی است که تلاش کرده محبوبیتش را به سرمایه‌ای برای کمک به اقشار آسیب‌پذیر جامعه تبدیل کند. این رویکرد در مقاطع حساس کشور نیز نمود داشته است. چاوشی در جریان جنگ با انتشار دو قطعه علاج و حسبی‌الله به میدان آمد و هم‌زمان با مواضعی صریح، به جریان‌های ضدایرانی در خارج از کشور و آوارگان منافق و سلطنت‌طلب حمله کرد. محسن چاوشی را باید در قامت یک هنرمند تراز ایرانی قلمداد کرد، زیرا برخلاف برخی چهره‌های پرادعا، در بزنگاه‌های اجتماعی و ملی صرفا به تماشای تحولات نمی‌نشیند و از اعتبار و توانایی خود برای همراهی با مردم نهایت استفاده را می‌برد.